

## مقدمه‌یی بر امنیت اقتصادی

دکتر سید محمد میر محمدی

### مقدمه

امنیت از جمله مفاهیم بحث‌انگیزی است که نزد سیاستمداران و صاحب‌نظران همان اهمیت را دارد که نزد بازرگانان، تجار و مردم عادی. تأمین امنیت ملی یکی از عمده‌ترین نگرانی‌ها و یکی از پایه‌های اساسی سیاست‌های دولت‌ها محسوب می‌شود. تحولات جهان امروز، از دوران جنگ سرد تاکنون، این مفهوم را با تغییرات عمده‌ای روبه‌رو ساخته است. امروزه در عصری قرار گرفته‌ایم که روابط سنتی و سخت‌افزاری امنیتی جهان که سال‌های طولانی بر گرایش‌ها و رویکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی سایه افکنده بود، اعتبار خود را از دست داده است. سرعت تحولات و افزایش وابستگی متقابل اقتصادی در جهان بدون مرز و سهم‌خواهی کشورها از آنچه که در آینده ساخته خواهد شد، یکی از منابع اصلی بروز تنش و نزاع میان قدرت‌های بالقوه و بالفعل جهان شده است. ساختار متناسب جهانی، به‌ویژه در میان قدرت‌های برتر جهان در قرن بیستم، به ترتیب اولویت، بر اساس ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی تعریف شده بود، که در اواخر آن به ترتیب به صورت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و نظامی تعریف شد. در این شرایط و در سیر مهارنشده‌ی تغییرات درونی و بیرونی، شرایط نبود اطمینان بر کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه تحمیل

شده است. در این محیط نامطمئن، کشورهای توسعه یافته، اولویت خود را در حمایت از استانداردهای بالای زندگی در قالب نظام پیشرفته سیاسی - اقتصادی دولت - رفاه به جای نظام دولت - ملت قرار داده‌اند و کشورهای در حال توسعه نیز، در پی بهبود وضع، بهره‌وری و تضمین امنیت (به‌ویژه امنیت اقتصادی) خود با هدف کاهش هرچه بیشتر و سریع‌تر فاصله خود با کشورهای توسعه یافته هستند.

مسلماً آنچه که در نهایت می‌تواند تحقق آرمان‌ها و هدف‌های افراد، گروه‌ها، دولت‌ها و کشورها را تضمین کند، مفهوم امنیت است. شاید بتوان گفت نوع رویکرد دولت‌ها به این مفهوم، تأثیر بسزایی در نحوه تنظیم آرمان‌ها، هدف‌ها، منافع، مصالح، ارزش‌ها، سیاست‌ها (رویکردها و راهبردها) و توزیع منابع و زمان داشته است و دارد. بر اساس همین تفاوت در نگرش‌ها و بینش‌هاست که سطوح تعامل و تقابل میان افراد، گروه‌ها و دولت‌ها تعریف می‌شود. در واقع، هر دولت، بر اساس برداشت خود از امنیت، رفتار خود را با سایر دولت‌ها تعریف می‌کند. این نوع رویکرد در عصر جدید، آشکارا مجموعه رفتارهای دولت‌ها را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهد.

امنیت ملی (امنیت نظام اجتماعی) در چهار حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (و نظامی) تعریف می‌شود. اگرچه بحث اصلی ما در حوزه امنیت اقتصادی است، اما پیش از ورود به مقوله امنیت اقتصادی لازم است به مفهوم امنیت به معنای عام آن، نظری داشته باشیم.

### ۱- امنیت ملی

امنیت ملی در حکم یک حوزه مطالعاتی خاص، پس از جنگ جهانی دوم در دانشگاه‌های غرب به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا مطرح شد.<sup>(۱)</sup> به‌رغم تلاش‌های مستمر در این زمینه، هنوز نسبت به تعریف مفهوم امنیت و ابزار تأمین و ایجاد آن و همچنین عوامل برهم‌زننده

امنیت و ایجاد ناامنی اختلاف نظر هست. چرا که مفهوم امنیت ملی یکی از پیچیده‌ترین بحث‌های روابط بین‌الملل بوده که اکنون هم مطرح است. همگان بر این ایده اتفاق نظر دارند که این ناهمگونی و نبود وفاق و اجماع بر روی برداشتی واحد از امنیت، به واسطه ویژگی‌های مترتب بر آن است که در زیر به برخی از مهم‌ترین آنها می‌پردازیم.

### ۱-۱- ویژگی‌های امنیت ملی

با توجه به مواردی که گفته شد، مهم‌ترین ویژگی‌های امنیت ملی به شرح زیر است. البته باید به این نکته توجه داشت که همگان این ویژگی‌ها اتفاق نظر همگان ندارند و برخی از صاحب‌نظران در آن تردید می‌کنند.

#### ۱-۱-۱- ذهنی بودن

ذهنی بودن امنیت به این معناست که این مفهوم در ذهن افراد، صاحب‌نظران و سیاستمداران با توجه به مقتضیات و شرایط خاصی که جامعه در آن قرار دارد، با رویکردهای مختلف شکل می‌گیرد و برداشتهای نیز متفاوت خواهد بود. برخی از صاحب‌نظران، ذهنی بودن امنیت را ناشی از چهار مؤلفه می‌دانند:<sup>(۲)</sup>

اول: میزان اعتباری که نخبگان یک کشور برای نیروهای تهدیدکننده قائل می‌شوند.  
دوم: میزان ارتباطی که نخبگان یک کشور می‌توانند با عامل یا عوامل تهدیدزا برقرار سازند.

سوم: میزان توانایی خودی (محدودیت‌ها و مقدرات) در مقابله با دیگری.

چهارم: میزان درجه و اعتبار، فوریت و اولویت مرکز ارزش‌ها و منافع مورد تهدید.  
این موارد، در کنار پیچیدگی مفاهیم وابسته به امنیت مانند ملت، قدرت، تهدیدها، آسیب‌ها، اهداف و مصالح، ذهنی شدن مفهوم امنیت را تقویت می‌کند. نکته‌ای که در اینجا قابل طرح است آن که "آیا مفاهیم ذهنی قابل تعریف هستند". عده‌ای مانند "باری

بوزان“ معتقدند که امنیت ملی را نمی‌توان تعریف کرد، بلکه تنها در مواردی خاص و مشخص، می‌توان تبیین نمود. اگرچه ممکن است چنین تحلیلی درست به نظر برسد، اما اساساً در علم، اصل بر کلیت و عمومیت است و یک تعریف علمی باید بتواند تمام موارد را در بر بگیرد و یا دست کم موارد ناهمخوان با تعریف بسیار کم و قابل چشم‌پوشی باشند. با همه این موارد، ذهنی بودن امنیت هنوز مانعی اساسی در ارائه تعریفی مشخص و واحد از آن است.

## ۲-۱-۱-۲-۱-۱-۲ نسبی بودن

این برداشت از دو جهت ناشی می‌شود.

جهت اول آن است که امنیت و ناامنی در مقایسه با امکانات و مقدرات داخلی و همچنین در مقایسه با وضعیت موجود و فاصله آن با وضع مطلوب تعریف می‌شود. این رویکرد وجهی از نسبی‌گرایی در روبه‌رو با مفهوم امنیت است.

جهت دوم نسبی بودن امنیت، از این پرسش ناشی می‌شود که آیا امنیت قابل حصول است یا خیر؟ در این باره فرضی تلویحی در بیشتر مباحث هست و آن این است که امنیت کامل یا حقیقی قابل حصول نیست، بلکه در مقابل تلاش می‌شود که تحت شرایط بالقوه معارض امنیت، تا سر حد امکان امنیت افزایش داده شود. به بیان دیگر، این باور است که امنیت مطلق وجود ندارد، نوعی نسبی‌گرایی را بر این واژه مترتب می‌کند. مهم‌ترین عواملی که بر این نوع ویژگی مؤثرند،<sup>(۳)</sup> عبارتند از:

الف: وجود دیدگاه بدبینانه نسبت به انسان (طبیعت انسان).

با این نگاه، به‌طور کلی موانعی فراروی تحصیل امنیت هست. که از طبیعت انسان ناشی می‌شود.

ب: وجود این دیدگاه که می‌توان از امنیت زیاد یا کم برخوردار بود، به‌جای احساس وجود حالت امنیت با نبود امنیت کامل. (دیدگاه مفهومی، وصفی یا ترتیبی). در واقع

هواداران رویکرد و دیدگاه خوش‌بینانه نسبت به طبیعت انسان (گروهی اقلیت) که آن را خوش‌بینان. انعطاف‌پذیر و سازگار می‌دانند، معتقدند که امنیت کامل، دست‌یافتنی است.

### ۳-۱-۱- بازدهی نزولی

ویژگی بازدهی نزولی، از دیگر ویژگی‌های امنیت است. در این رویکرد، امنیت کالایی است که همه افراد جامعه می‌کوشند که آن را به دست آورند، ولی زمانی که امنیت نکته اصلی و مورد تأکید همگان باشد، مشکلاتی بروز می‌کند.<sup>(۴)</sup> از جمله:

۱- هراس و تأکید بی‌حاصل بر تهدیدات بالقوه نسبت به امنیت.  
 ۲- کشیدن و منحرف کردن منابع از سایر ارزش‌های جامعه (رفاه اقتصادی) به سوی امنیت.

۳- بروز وضعیت‌های بحرانی (کاذب) که مستلزم تدابیر شدید و اضطراری است.

۴- تحریک و واکنش‌های شدید و مشابه از سوی دیگران.

۵- کسب امنیت زیاد باعث ترویج حالت خوش‌خیالی می‌شود که این امر مانع پیشرفت شده و به حالت رضایت‌گونه ناظرانه و انعطاف‌ناپذیر نسبت به گرفتاری دیگران کمک می‌کند.

نکته‌نهایی آنکه سرمایه‌گذاری بیشتر در امنیت، موجب تحریک دیگران در برقراری امنیت بیشتر، و خود باعث بروز ناامنی می‌شود. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه برقراری امنیت، نه تنها امنیت را افزایش نمی‌دهد بلکه باعث بروز ناامنی بیشتر از سوی دیگران می‌شود.

### ۲- امنیت ملی در نگاه دوم<sup>(۵)</sup>

مطالعه فرایند مطالعات انجام شده درباره امنیت، مبین آن است که در طول دوران جنگ

سرد و دوران پس از آن، مجموعه رویکردها و تعاریف، بر اساس محورهای خاص تعیین شده است. از نظر نگارنده، این فرایند تکاملی را تا رسیدن به تعریف مورد نظر می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

### I. دوران پس از جنگ جهانی دوم تا پایان جنگ سرد

در این دوران، محور اساسی تعیین امنیت یا ناامنی، وجود یا نبود وجود تهدیدات خارجی با ماهیت نظامی تلقی می‌شد و بر این اساس، امنیت ملی، رهایی کشور از تهدیدهای نظامی خارجی علیه هدف‌ها، منافع و ارزش‌های حیاتی تعریف می‌شد.

بر این اساس، اولویت‌های هر کشور به ترتیب اهمیت، شامل: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود. و بر این اساس، برای برقراری امنیت همه‌چیز در خدمت تأمین نیازمندی‌های حوزه نظامی قرار داشت. نتیجه این رویکرد، سرمایه‌های هنگفتی بود که کشورها برای دسترسی هرچه بیشتر به تکنولوژی‌های پیشرفته و برتر نظامی هزینه کردند، که در نوع خود، فشار عمده‌ای را بر آنها تحمیل می‌کرد. اهمیت این موضوع به حدی است که بسیاری از تحلیل‌گران، یکی از مهم‌ترین دلایل فروپاشی نظام سوسیالیستی را هزینه‌های کمرشکن نظامی دولت سوسیالیستی شوروی سابق می‌دانند.

اگرچه این نگاه در طول زمان قدری تکامل یافت و بر اساس برخی رویکردهای جدید در آن دوره تحولات حوزه‌های دیگر از جمله اقتصادی، سیاسی و... را نیز جزو مظاهر ناامنی و تهدیدات امنیتی قلمداد کرد، هنوز غلبه بعد نظامی امنیت بر سایر حوزه‌ها استمرار داشت و کمترین تردیدی در این رویکرد دیده نمی‌شد.

### II. دوران پس از جنگ سرد تا اواخر قرن بیستم

در این دوران، چند تحول عمده از جمله فروپاشی نظام سوسیالیستی، افزایش سرعت روند

جهانی‌سازی، ادغام سریع و وسیع اقتصادهای ملی، برچیده شدن مرزها، پایان حاکمیت سرمایه و آغاز حاکمیت مغزها، سلطه روزافزون شرکت‌های فراملی، ظهور بازیگران جدید در عرصه بین‌الملل، و... باعث شد که اولویت‌های جهانی از نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی، تغییر ماهیت و تغییر جهت دهد و به ترتیب اولویت به صورت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و نظامی تعیین شود. اگرچه در این عرصه هنوز بر ضرورت وجود قدرت قهری برای تسویه بازارها در عرصه جهانی تأکید می‌شود، اما تردیدی وجود ندارد که همه‌چیز با محوریت اقتصاد تعریف خواهد شد. در هر حال، مهم‌ترین محور در رویکردها و تعاریف امنیت و مفاهیم مرتبط با آن، «انسان» بوده است. یعنی رویکردها و برداشتها بر اساس محور انسان (دیدها، نیازها، سؤالات، تمایلات و...) صورت پذیرفته است. بر این اساس، امنیت عبارت از شرایطی است که انسان بتواند در آن استعدادهای خود را شکوفا سازد و در سایه آن روابط بین‌الملل را گسترش دهد. حدود و ماهیت این تعریف، به ترتیب اولویت در چهار حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و نظامی معنا و تجلی می‌یافت. اگرچه این برداشت و رویکرد، عمری طولانی، به قدمت رویکردهای امنیت دوران جنگ سرد نداشت، اما آن اندازه دوام داشت که بتواند نقطه عطفی در تغییر رویکرد امنیت از سخت‌افزاری به نرم‌افزاری محسوب شود. در عصر پس از جنگ سرد، تحولات و پدیده‌ها دوام زیادی نخواهند داشت و عمر آنها کوتاه و کوتاه‌تر خواهد شد.

### III. قرن بیست و یکم

در قرن بیست و یکم، با تشدید فرایند جهانی‌سازی، پدیده‌های انفجار اطلاعات و انفجار انتظارات (با دو ویژگی مبتنی بر آگاهی بودن و عقلایی شدن) همه ابعاد نظام جهانی را تحت تأثیر قرار داد و ظهور پدیده درهم‌آمیزی جهانی (روند تکاملی جهانی‌سازی) را نوید

داد. این فرایند، حتی در قید «ملی» مترتب بر واژه‌های امنیت، منافع، مصالح و ارزش‌ها را تردید کرد. به عبارت دیگر، به تدریج در این فرایند درباره امنیت ملی، منافع ملی و... تردیدهایی شکل گرفت.

در این تحول که عمر کوتاهی هم خواهد داشت و انتظار تغییر آن در آینده‌ای نزدیک می‌رود، دو عنصر اطلاعات و ادراک (بینش و احساس) مهم‌ترین عوامل محدودکننده امنیت به‌شمار می‌روند.

به طوری که:

✓ عنصر اطلاعات بر میزان و چگونگی آگاهی با هدف جلوگیری از غافل‌گیری تأکید می‌کند و اصولاً متوجه نخبگان جوامع خارجی است.

✓ عنصر ادراک (بینش و احساس) بر انتقال احساس ایمنی به مردم تأکید می‌کند و بر اعتماد گسترده با هدف تقویت مشروعیت متمرکز است و اصولاً متوجه توده‌های داخل کشور می‌شود.

نکته اصلی آن است که در این عرصه، مهم‌ترین و اصلی‌ترین محور، اطلاعات و آگاهی است. در واقع، دسترسی به اطلاعات و مدیریت این جریان می‌تواند تضمین‌کننده امنیت و ناامنی در هر جامعه‌ای تلقی شود. دسترسی به اطلاعات و آگاهی در مدیریت آن، می‌تواند جامعه را به موقع در جریان اطلاعات و دانش لازم قرار دهد که این امر زمان بیشتری برای تصمیم‌گیری افراد و حاکمان در مقابل پدیده‌های سریع‌الوقوع فراهم می‌کند. با تقویت این جریان، ضریب صحت و دقت سیاست و تصمیمات افزایش یافته (کاهش ضریب خطا) و تصمیمات، نه بر اساس آزمون و خطا، بلکه بر اساس فرایند عقلایی شکل خواهد گرفت که نتیجه آن تقویت بنیان‌های نظام اجتماعی و جلب اعتماد بیشتر توده‌ها خواهد بود. در این شرایط، جامعه با قدرت بیشتری وارد عرصه فرایند درهم‌آمیزی جهانی، خواهد شد و قطعاً سهم قابل توجهی در جریان انتقال و مدیریت اطلاعات به‌دست خواهد آورد، که این



امر، فرایند پیش‌گفته را تقویت خواهد کرد. این فرایند را می‌توان به‌صورت زیر نشان داد:

### نمودار چرخه اطلاعات و آگاهی



نقش کلیدی و محوری اطلاعات و آگاهی در این فرایند نشان‌دهنده نقش محوری این مؤلفه در رویکردها و تعریف‌های امنیت و مفاهیم مرتبط با آن است. بر این اساس، امنیت عبارت است از «فرایند پویا و پایدار برخورداری از نقش و دسترسی (تولید + بهره‌برداری) مؤثر، لازم و فزاینده در مدیریت و جریان ملی و بین‌المللی اطلاعات و تکنولوژی اطلاعات». بدیهی است این مهم در چهار حوزه نظام اجتماعی یعنی «اقتصاد»، «سیاست»، «اجتماع و فرهنگ» و «نظامی» معنادار خواهد بود. به‌عبارت دیگر، امنیت اقتصادی، سیاسی و... نیز با این رویکرد تعریف خواهد شد که می‌تواند در حوزه‌های فوق و در ابعاد خرد و کلان نیز معنادار باشد، که در جای خود بدان خواهیم پرداخت.

### ۳- ابعاد امنیت ملی

برای امنیت ملی، ابعاد مختلفی را برشمرده‌اند که بر اساس نظرات موجود مهم‌ترین ابعاد آن را می‌توان به ترتیب زیر نام برد:

- ۱- امنیت سیاسی
- ۲- امنیت اقتصادی
- ۳- امنیت اجتماعی - فرهنگی
- ۴- امنیت نظامی

در برخی رویکردها این ابعاد به صورت زیر تعریف شده‌اند:<sup>۶</sup>

- ۱- امنیت اقتصادی
- ۲- امنیت منابع / محیطی
- ۳- امنیت سیاسی / فرهنگی
- ۴- امنیت نظامی

و در برخی دیگر از دیدگاه‌ها، امنیت اجتماعی و فرهنگی نیز مستقل دیده شده‌اند و بدین ترتیب برای امنیت ملی، ۵ رکن اساسی تعریف شده است.

اگرچه این اختلاف دیدگاه‌ها مهم‌اند و باید در جای خود بررسی شوند، از آنجا که یکی از محورهای این رساله، امنیت اقتصادی است، در ادامه به مطالعه این بُعد از امنیت ملی می‌پردازیم:

### ۴- امنیت اقتصادی

چنانکه گفته شد، یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت ملی، امنیت اقتصادی است. به عبارت دیگر در میان ابعاد مختلف امنیت ملی (امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی - فرهنگی، و امنیت نظامی) مقوله امنیت اقتصادی به دلایل متعدد، اولویت اول در عرصه

جهانی و در درون کشورها شناخته شده است. برخی از دلایل این تغییر رویکرد پیشتر گفته شد و در زیر نیز به برخی از آنها به طور خلاصه اشاره می‌شود:

الف- بروز مشکلات و مسائل اقتصادی در کشورهای مختلف و اوج‌گیری مشکلات ساختاری اقتصادی.

ب- ظهور انقلاب سوم تکنولوژیک و دستاوردهای نوین کامپیوتر، بیوتکنولوژیک و ارتباطات.

ج- افزایش شهرنشینی، جمعیت و متعاقباً افزایش انتظارات عمومی.

د- اولویت یافتن رفاه و بهبود وضع اقتصادی در نگاه مردم.

ه- افزایش وابستگی‌های متقابل و فزاینده اقتصادی با توجه به شرایط نبود اطمینان و نگرانی از وضع آینده، که نتیجه آن، گرایش به سمت حل مسألت‌آمیز مسائل و صرف بودجه‌ها در توسعه اقتصادی و تأمین آینده مطمئن‌تر خواهد بود.

و- تأثیر جبران‌ناپذیر مسابقه تسلیحاتی بر روند توسعه اقتصادی.

ز- تأثیر مثبت و اساسی فعالیت در زمینه‌های اقتصادی بر رشد و توسعه قدرت ملی. (تفوق و برتری دولت‌های شکست‌خورده آلمان و ژاپن در جهان کنونی، به دلیل توفیق‌مندی اقتصادی و تکنولوژیک و متقابلاً بهره‌مندی کمتر روسیه در صحنه جهانی با وجود دارا بودن قدرت نظامی) اکنون آمریکا، ژاپن و رشد اقتصادی آن را تهدید جدی برای خود می‌دانند.

ح- تأثیر قطعی رشد پایدار اقتصادی بر قدرت نسبی نظامی، سیاسی و... و کاهش هزینه‌های نظامی به اندازه حفظ حاکمیت و افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و... منجر به موفقیت‌های اقتصادی برای برخی از کشورها شده است و متقابلاً کشورهایی که عکس این روند را طی کرده‌اند، در دو حوزه نظامی و اقتصادی موفقیت‌های زیادی نداشته‌اند و هر دو حوزه را از دست داده‌اند.

نکته‌ای که «پل‌کندی» در تحقیقات خود بدان رسیده‌است، این است که بین امنیت کوتاهمدت نظامی و امنیت بلندمدت اقتصادی، نوعی مصالحه و معامله هست.<sup>(۷)</sup> ط‌ظهور و بروز ابعاد اقتصادی قدرت؛ کارشناسان امنیت ملی اینک بر این نکته و همچنین بر این امر که ابزارهای سنتی مانند ارتش‌ها نمی‌توانند علیه چالش‌های اقتصادی به کار گرفته شوند، اذعان و تأکید دارند. حتی نظامی‌گری نیز بدون پشتوانه اقتصادی توانمند، محکوم به شکست بوده و هست.

در رویکرد اخیر، به تعبیر «پل‌کندی» امنیت ملی مفهوم وسیعی پیدا می‌کند و سرانجام ممکن است بپذیریم که تهدید علیه امنیت ملی یعنی هر چیزی که در جهان، سلامت، رفاه اقتصادی، ثبات اجتماعی و صلح سیاسی را به خطر اندازد.

با این همه باید به این نکته توجه داشت که اهمیت امنیت اقتصادی و قائل شدن نقش پیشرو برای آن، نباید باعث زیاده‌روی در تأکید بر عوامل اقتصادی شود. چنان‌که در دوران گذشته نیز چنین برداشتی از امنیت نظامی وجود داشت. چرا که شرایط متغیر و متحول جهانی هر لحظه می‌تواند اولویت‌ها را تغییر دهد.

#### ۱-۴- ابعاد امنیت اقتصادی

در چند سال اخیر، امنیت اقتصادی از ابعاد مختلف بررسی شده است و دانش‌پژوهان و نظریه‌پردازان، ضمن تأیید ارتباط امنیت اقتصادی با ایمنی جامعه، به دنبال راه‌های جدید وارد کردن موضوعات اقتصادی در راهبردهای امنیتی بوده و هستند. به تدریج و با تکامل دیدگاه‌های معطوف به امنیت اقتصادی، نظرات و تعریف‌های متعددی مطرح شد. مثلاً، در گذشته‌ای نه چندان دور، آنچه که حیات و سعادت جوامع بشری را به خطر می‌انداخت، در قالب تهاجم خارجی، نبود ناامنی داخلی و نبود ضمانت برای توافق و قراردادهای میان افراد و جوامع تعریف می‌شد که به تدریج، نبود اطمینان در فضای کسب و کار عمومی نیز جزو

مظاهر ناامنی قلمداد شد.

بر این اساس، عمده فشارهای نیروهای اجتماعی، ناشی از تحولات دوره‌ای اقتصاد، و بر اثر توزیع ناعادلانه ثروت و امکانات در ساختار اقتصادی است که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها با هدف ایجاد ثبات و پایداری و در پاسخ به آنها شکل می‌گیرند. در هر حال، توانایی سیستم‌های اقتصادی در حفاظت از مردم در برابر فشارهایی که خارج از کنترل آنهاست، معیاری بنیادین است. همچنین می‌توان به این نیاز با تاسیس دولت - رفاه و یا با پیش‌گیری و مبارزه با علل به‌وجودآورنده رخدادها و فشارها پاسخ داد.

#### I. سطوح امنیت اقتصادی<sup>(۸)</sup>

پیش از ورود به بحث تعاریف امنیت اقتصادی - با توجه به گستردگی این مفهوم - تبیین ابعاد آن ضروری است. امنیت اقتصادی در سطوح مختلف قابل طرح است. نوع رویکرد به امنیت اقتصادی می‌تواند سطوح تحلیل آن را نیز مشخص سازد. در واقع تعاریفی که از امنیت اقتصادی ارائه خواهد شد، در هر یک از ابعاد زیر قابل تعمیم خواهد بود. جدول زیر بیان‌گر سطوح مختلف امنیت اقتصادی است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۱: ابعاد مختلف امنیت اقتصادی

ابعاد امنیت اقتصادی	معیار سطح بندی	
ملی (داخلی)، منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای	جغرافیایی	۱
فرد (فعال اقتصادی)، بنگاه (صنعت خاص)، بخش، فرابخش و...	گستره فعالیت اقتصادی	۲
تولید، توزیع، مصرف، تجارت، سرمایه و...	نوع فعالیت اقتصادی	۳
تولید کننده، مصرف کننده، سرمایه گذار، صاحبان سرمایه و...	فعال اقتصادی	۴
غذایی، شغلی، زیست محیطی، مالکیت، بحران‌های اقتصادی، سرمایه رفاه، اطلاعات و...	حوزه‌های مهم	۵

## ۲-۴- تعاریف و رویکردهای امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی مجموعه‌ای منظم و به هم پیوسته از عوامل و متغیرهای اقتصادی است، که دو ویژگی دارند:

۱- ماهیتاً اقتصادی هستند.

۲- پیامدها و نتایج آنها فقط به حوزه اقتصاد محدود نمی‌شود و ابعاد سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و نظامی امنیت را نیز در بر می‌گیرد.

به بیان دیگر، مجموعه عوامل و متغیرهای اقتصادی مرتبط با امنیت اقتصادی، مؤلفه‌های بین‌بخشی تلقی می‌شوند؛ به گونه‌ای که از مجموعه مؤلفه‌های اقتصادی آفریننده امنیت اقتصادی، برای حرکت به سوی ثبات، پایداری و امنیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی هر جامعه استفاده می‌شود و آنها را در پیوندی محکم با هم قرار می‌دهد.

یادآوری این نکته نیز ضروری است که اگرچه سیاسی شدن بیش از حد موضوعات و عوامل اقتصادی، سبب آسیب‌پذیری عوامل اقتصادی شده و گاه از مظاهر و شاخصه‌های ناامنی اقتصادی نیز تلقی می‌شود، از سوی دیگر، بهبود اوضاع سیاسی و افزایش سطوح همگرایی سیاسی نیز می‌تواند اوضاع اقتصادی را به سمت بهبود و تعالی سوق دهد. بنابراین همواره در مجموعه تعریف‌هایی که ارائه می‌شود، باید توجه کرد که امنیت اقتصادی،

موضوعی چندوجهی و به اصطلاح، کثیرالاضلاع و کاملاً مرتبط با متغیرهای اقتصادی است؛ بر همین اساس، اگرچه امنیت اقتصادی به پایداری رشد اقتصادی می‌انجامد، خود موضوعی صرفاً اقتصادی در مفهوم آکادمیک آن نیست.

### ۱- رویکرد تجارت - رفاه

در این رویکرد "رابرت ماندل"، برداشت خود را از امنیت اقتصادی این گونه بیان می‌کند: امنیت اقتصادی عبارت است از: «میزان حفظ و ارتقای سطح و شیوه زندگی مردم یک جامعه از راه تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی».

بر اساس این تعریف، در حالی که امنیت اقتصادی به‌طور سنتی دو عنصر اصلی داشته است (یعنی استفاده از امکانات اقتصادی و بنیان اقتصادی قدرت نظامی) افزایش وابستگی متقابل اقتصادی و سیاسی شدن فزاینده موضوعات اقتصادی، باعث آسیب‌پذیری بیشتر دولت‌های ملی شده است؛ زیرا این واحدها بیش از هر زمان دیگری در گذشته برای تأمین نیازمندی‌های زندگی روزمره به یکدیگر وابسته شده‌اند. از این منظر، می‌توان مهم‌ترین شاخص‌های امنیت یا ناامنی اقتصادی را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- حفظ و ارتقای سطح و شیوه زندگی مردم

۲- تأمین کالاها و خدمات اساسی

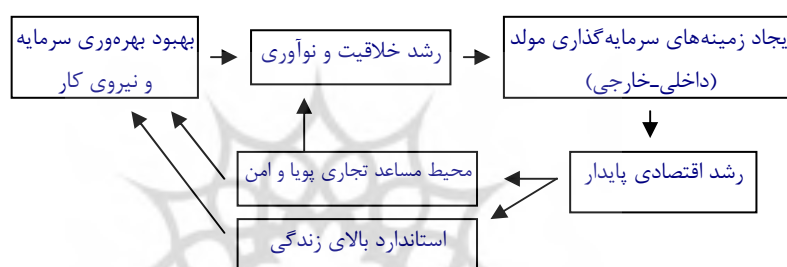
۳- باز بودن اقتصاد

### ۲- رویکرد رشد پایدار

در نگاه دیگر، امنیت اقتصادی، رسیدن به شرایط لازم برای تشویق بهبود نسبی بلندمدت بهره‌وری سرمایه و نیروی کار و در نتیجه تحقق استاندارد بالای زندگی (و در حال افزایش برای افراد کشور) است<sup>(۱۰)</sup> و همچنین دستیابی به محیط مساعد تجاری پویا، امن و مناسب

برای نوآوری، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و رشد اقتصادی پایدار را در بر می‌گیرد. در واقع، این تعریف، برداشتی عملیاتی از حالتی از اقتصاد است که در آن امنیت کامل برقرار است. این بیان از امنیت اقتصادی، در حقیقت شرایط آرمانی اقتصادی را با امنیت اقتصادی که در فرایندی الزام‌آور، تحقق می‌یابد، مترادف دانسته است. این فرایند را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

#### شماره ۱- امنیت اقتصادی - رویکرد رشد پایدار



بر اساس این رویکرد، شاخص‌های امنیت اقتصادی عبارتند از:

- ۱- بهره‌وری بالای سرمایه و نیروی کار
- ۲- استاندارد بالای زندگی (رفاه اجتماعی)
- ۳- باز بودن اقتصادی
- ۴- رشد پایدار اقتصادی
- ۵- امنیت سرمایه‌گذاری (داخلی - خارجی) و ریسک پایین سرمایه‌گذاری
- ۶- آزادسازی اقتصاد

#### ۳- رویکرد برنامه‌ریزی بلندمدت

در نگاهی دیگر، امنیت اقتصادی، وضعیتی است که در آن، واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرهای محیطی، دست به برنامه‌ریزی بلندمدت بزنند.<sup>(۱۱)</sup> در این رویکرد،



بیشترین تأکید بر قابلیت برنامه‌ریزی واحدهای تولیدی برای آینده است. نکته‌ای این است که در شرایط کنونی، که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن نبود اطمینان است، چگونه می‌توان برنامه‌ریزی بلندمدت داشت؟ به نظر می‌رسد که در شرایط نبود اطمینان داشتن نگاه و برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژیک) (چه در سطح خرد و چه در سطح کلان) اساسی‌ترین رویکردی است که فعالان و سیاست‌گذاران اقتصادی باید مورد توجه قرار دهند. ویژگی یک نگاه راهبردی توجه به آینده و حوزه‌های مرتبط با آن است. بر این اساس در هر اقدام، سیاست و تصمیم اقتصادی، تعامل با محیط و تحولات آن و همچنین سازگاری و همزیستی با سایر حوزه‌ها، باید رویکرد بلندمدت، مورد توجه قرار گیرد. در این باره، کاربرد «نظریه بازی‌ها» و «تئوری آشوب» بسیار مهم است، چراکه به تصمیم‌گیری در شرایط نبود اطمینان و نظم‌دهی به متغیرهای تصادفی و کشف قوانین مربوط به آنها کمک می‌کند.

در این خصوص، نظریه بازی‌ها و قواعد تصمیم‌گیری در شرایط نبود اطمینان می‌توانند تا حد ممکن متغیرهای فرار را کنترل کنند. همچنین تئوری آشوب می‌تواند در کشف قواعد و قوانین اجزای خطا و تصادفی در شرایط نبود اطمینان، ابعاد پنهان و متغیرهای مهار نشدنی و برون‌زا (خارج از دسترس و کنترل) را با منطقی مشخص، هم‌سو با فرایند مورد نظر قرار دهد.

تنها نکته آن است که به کارگیری تئوری آشوب در حوزه اقتصاد، سابقه و تجربه زیادی ندارد و باید در این باره تأمل بیشتری کرد. در هر حال، بر اساس این رویکرد، شاخص‌های امنیت اقتصادی عبارتند از:

- مصونیت از تهدیدات خارجی (محیطی)

- امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای فعالان اقتصادی

محور اصلی در این شاخص‌ها، واحدهای تولیدی هستند.

#### ۴- رویکرد بین‌رشته‌ای

در نگاهی دیگر، و در رویکردی بین‌رشته‌ای (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و...) امنیت اقتصادی به صورت زیر تعریف شده است:

امنیت اقتصادی، عبارت است از فراهم کردن فضایی حقوقی، اجتماعی و سیاسی، که در آن فضا و شرایط ایجاد شده، طرح‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی بتوانند از آغاز اجرا تا مرحله بهره‌برداری و از مرحله بهره‌برداری تا پایان کار، بدون اخلاص‌ها و آشفتگی‌های بیرونی عمل کنند.<sup>(۱۲)</sup> این برداشت از امنیت اقتصادی، بیشتر بر جنبه‌های غیراقتصادی مؤثر بر فرایند فعالیت‌های اقتصادی در قالب طرح‌های سرمایه‌گذاری و تلاش فعالان اقتصادی تأکید دارد.

رویکرد بین‌رشته‌ای، در نوع خود، تقریباً رویکرد جدیدی به شمار می‌رود که می‌کوشد با توجه به ابعاد مختلف نظام اجتماعی مؤثر بر اقتصاد، نشان دهد که در مباحث امنیت، در نظر نگرفتن سایر حوزه‌ها در برقراری امنیت اقتصادی، رویکرد و نگاهی ناقص است. چرا که صرفاً در صورتی می‌توان به امنیت اقتصادی پایدار دست یافت که سایر مؤلفه‌ها نیز در تداوم آن نقش داشته باشند.

در این نگاه، شاخص‌های امنیت اقتصادی عبارتند از:

- ۱- مصونیت از آشفتگی‌های محیطی (تهدیدها، آسیب‌ها)
- ۲- شرایط مساعد حقوقی (حوزه قوانین، مقررات و...)
- ۳- شرایط مساعد اجتماعی (نهادهای اقتصادی - اجتماعی)
- ۴- شرایط مساعد سیاسی (نقش و سهم دولت در اقتصاد، رویکردهای اقتصاد سیاسی، باز بودن اقتصاد و...)

۵- تداوم طرح‌های سرمایه‌گذاری (امنیت سرمایه‌گذاری و...)

۶- تداوم تحرک فعالان اقتصادی (شرایط رقابت سالم، نبود رانت و انحصار و...)

## ۵- رویکرد پیش‌بینی (عقلایی)<sup>(۱۳)</sup>

نگاه دیگر به امنیت اقتصادی، با در نظر گرفتن قابل پیش‌بینی بودن آینده و نسبی دانستن امنیت اقتصادی، آن را این‌گونه توصیف می‌کند: اقتصادی که در آن، شرایط آینده تا حدودی قابل پیش‌بینی باشد و محدوده عمل و تغییرات متغیرها حدوداً مشخص باشد، از امنیت اقتصادی نسبی برخوردار خواهد بود. این برداشت از امنیت اقتصادی، تا حدودی کلی و متأثر از رویکرد عقلایی است، ضمن آنکه به نسبی بودن امنیت نیز می‌کند. به بیان دیگر، آینده‌نگری و توجه به آینده، به گونه‌ای که بتوان بر اساس حداقل اطلاعات کسب شده، شرایط را برای تصمیم عقلایی ایجاد کرد، نخستین بعد این برداشت است. دومین بعد آن، مشخص بودن محدوده عمل و تغییرات مؤلفه‌ها و متغیرهای مؤثر بر این فرایند است که تغییرات و حوزه عمل هر کدام از این مؤلفه‌ها، در شرایط مختلف (زمان - مکان) متفاوت خواهد بود و دیگر آنکه اطمینان کامل درباره شناسایی همه متغیرهای مؤثر وجود ندارد و ممکن است برخی از متغیرها همچنان ناشناخته و پنهان باقی مانده باشند.

اگرچه این نگاه به امنیت اقتصادی، در ابتدا ممکن است مشابه با تعریف مبتنی بر برنامه‌ریزی بلندمدت (رویکرد سوم III) به نظر برسد، اما دو ویژگی گفته‌شده، امنیت اقتصادی را از برنامه‌ریزی بلندمدت متمایز می‌سازد. با این نگاه، مهم‌ترین شاخص‌های امنیت اقتصادی به شرح زیر است:

- ۱- قابلیت پیش‌بینی آینده اقتصاد
- ۲- مشخص بودن متغیرهای مؤثر بر پیش‌بینی (متغیرهای درونی و بیرونی)
  - متغیرهای اقتصادی (درونی)
  - متغیرهای غیراقتصادی (بیرونی)

۳- روند تغییرات متغیرها و محدوده عمل آن‌ها

آن‌گونه که گفته شد، براساس با تعریف ارائه‌شده، شاخص‌های منتج از این رویکرد نیز،

کلی و بسیار مبهم هستند که به سختی قابلیت کمی شدن و عملیاتی شدن را دارند، اما می‌توانند در رسیدن به شاخص‌های قابل اتکا و عملیاتی‌تر مفید باشند.

## ۶- رویکرد سرمایه‌گذاری (اصل و سود)

در نگاهی دیگر، از زاویه تأمین سرمایه‌گذاری به امنیت اقتصادی نگریسته می‌شود که بر این اساس، امنیت اقتصادی عبارت است از: «اطمینان در حفظ اصل و سود سرمایه در سرمایه‌گذاری»<sup>(۱۴)</sup>. زمانی که فرد یا بنگاه (و یا دولت) تصمیم به سرمایه‌گذاری دارد، دو اصل اطمینان و تأمین را درباره اصل و سود سرمایه در نظر می‌گیرد. بر این اساس، هر عاملی که اطمینان سرمایه‌گذار را از بین ببرد یا خدشه‌ای به آن وارد کند، عامل ناامنی است، مشروط بر آن‌که:

- ۱- تأمین لازم را برای سرمایه‌گذار ایجاد نکند؛
  - ۲- مانع انجام سرمایه‌گذاری شود (سرمایه‌گذاری انجام نشود)؛
  - ۳- طرح‌های جاری سرمایه‌گذاری را متوقف و موجب خروج سرمایه شود.
- توجه به این شرایط در این رویکرد ضروری است و تحقق یا نبود تحقق هر دو شرط فوق، مبنای قضاوت درباره بودن یا نبودن امنیت اقتصادی است؛ چرا که سرمایه‌گذاری در هر شرایطی، به معنای وجود امنیت اقتصادی است، هر چند پایه‌های اعتماد و اطمینان سست باشد و اصل و فرع سرمایه صددرصد تأمین نشود. اینکه سرمایه‌گذار با مطالعه شرایط متقاعد شده است که سرمایه‌گذاری کند، نشان می‌دهد که از نظر او امنیت لازم قطعاً وجود داشته است.

نکته دیگر آنکه این برداشت کاملاً نسبی است و نسبت به هر فرد، بنگاه دولت و... می‌تواند متفاوت باشد. ممکن است در شرایطی یکسان، برای گروه A ناامنی کامل و برای گروه B امنیت کامل برقرار باشد. بسته به توان و پتانسیل صاحبان سرمایه و سرمایه‌گذاران،

شرایط می‌تواند مؤید امنیت یا ناامنی باشد.

البته باید توجه داشت که دو مؤلفه اصل سرمایه و سود سرمایه محور اصلی این رویکرد به شمار می‌روند و به تناسب این دو مؤلفه نیز، عوامل و شرایط مؤثر می‌توانند دسته‌بندی شوند:

الف: از مواردی که می‌توانند اصل سرمایه را به مخاطره اندازند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- مصادره دارایی‌ها توسط دولت

۲- قوانین ویژه

۳- برقراری سیستم حکومتی جدید و لغو قوانین قبلی

۴- اغتشاشات داخلی

۵- رخدادهای طبیعی (سیل، زلزله و...)

۶- جنگ

و ...

ب: در مواردی که مسائل مخاطره‌آمیز پیش گفته مطرح نباشد، سود سرمایه میزان امنیت اقتصادی را برای سرمایه‌گذاری تعیین می‌کند. از جمله مواردی که می‌تواند در سود و بازده سرمایه تأثیر بگذارد، عبارتند از:

۱- قوانین و دستورالعمل‌های جدید محدودکننده

۲- سیاست‌های جدید تحدیدکننده

۳- ناآرامی‌های محیطی

۴- تغییر قیمت‌ها

۵- تغییر سیاست‌های پولی و مالی در کشور

۶- مالیات‌ها، عوارض، تعرفه‌ها و ...

۷- سیاست‌های مداخله دولت در بازار

۸- افزایش هزینه‌های تولید

و ...

در این رویکرد، موارد گفته شده در دو بند الف و ب، به نوعی شاخص‌های امنیت اقتصادی با محوریت سرمایه‌گذاری و تأکید بر حفظ اصل و سود سرمایه محسوب می‌شوند.

## ۷- رویکرد مالکیت

در بررسی موضوع امنیت اقتصادی، بحث احترام به مالکیت، از عمده‌ترین مباحث عمده است که گاه به واسطه اهمیت آن، مترادف با امنیت اقتصادی فرض شده است. با این رویکرد، امنیت اقتصادی عبارت است از دسترسی، حفظ و نگهداری مالکیت مادی و معنوی (فردی - سازمانی) است. به بیان دیگر، برقراری و حفظ حقوق مالکیت افراد و سازمان‌ها مؤید وجود امنیت اقتصادی در جامعه است. در این باره تفاسیر متعددی هست از جمله اقتصاددانی به نام "دیویس"<sup>۱</sup>، معتقد است که حقوق مالکیت به آن دسته از مقررات و قوانینی باز می‌گردد که راهگشای مسائل زیر باشد:<sup>(۱۵)</sup>

۱- مالکیت بر دارایی

۲- دسترسی به دارایی

۳- محافظت از دارایی

۴- انتقال دارایی‌ها

بر این اساس، هرگونه تلاش در راستای تحقق موارد فوق، گامی زیربنایی و مؤثر برای حفظ اهداف، منافع و امنیت ملی و از جمله امنیت اقتصادی خواهد بود.

در این رویکرد، در صورت تحقق موارد پیش گفته، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای سرمایه‌گذار و حتی دولت ایجاد می‌شود و با ثبات قوانین و مقررات، این انگاشت که حقوق مالکیت به سهولت قابل فروپاشی است، از بین خواهد رفت. مهم‌ترین شاخصه‌های این نگاه، عبارتند از:

- ثبات قوانین و مقررات

- مالکیت بر دارایی‌ها (قوانین و حقوق مرتبط با حفظ و دسترسی فرد - سازمان به

دارایی‌ها)

چنانکه دیده می‌شود، در این نگاه، برداشتی کلی از امنیت اقتصادی ارائه شده است که در شرایط متفاوت، از سوی افراد و صاحب‌نظران مختلف، دارای تفسیرهای متفاوتی خواهد بود و در مجموع طیف وسیعی از پارامترها و شاخص‌ها را در بر خواهد گرفت.

## ۸- رویکرد نبود تعادل (شکاف‌های اقتصادی)<sup>(۱۶)</sup>

در یک مدل عمومی از رفتار متقابل متغیرهای اقتصادی، بازارها در شرایطی تعادلی، می‌توانند زمینه‌های پایداری و ثبات سیستم اقتصادی را فراهم آورند. در سیستمی پایدار، هر فعال اقتصادی می‌تواند متناسب با شرایط ویژه خود و با توجه به علائم متغیرها و وضعیت بازارها (اقتصاد) فعالیت خود را طرح‌ریزی کند و سرمایه (مادی - معنوی) خود را در سطوح مختلف (خرد - کلان) و در حوزه‌های مختلف به کار گیرد؛ این همان امنیت اقتصادی است. بنابراین در این رویکرد، امنیت اقتصادی عبارت خواهد بود از: «ثبات اقتصادی و پایداری رشد مبتنی بر تعادل (تسویه) پایدار بازارها».

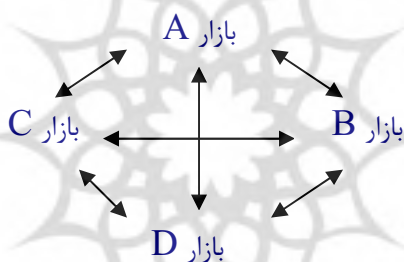
البته باید توجه داشت که تعادل هدف عمده‌ای به‌شمار نمی‌رود؛ زیر حرکت به‌سوی تولید بیشتر و تورم کمتر باعث می‌شود که بازارها دائماً در حال تغییر به سمت تولید بیشتر باشند. اما ثبات اقتصادی و رشد پایدار حالتی است که تعادل در بازارهای محصول، پول،

کار و سرمایه نیاز اساسی دارد.

وقتی بازارها تسویه نمی‌شوند، مازاد یک مؤلفه (عرضه، تقاضا و متغیرها و عوامل تشکیل‌دهنده و مؤثر) و کمبود یک مؤلفه دیگر، نظم عادی سیستم را مختل می‌سازد و موجب بروز پدیده‌های نامطلوب می‌شود. مثلاً وقتی بازار کار به‌طور کامل تسویه نشود، همواره با مازاد تقاضا یا مازاد عرضه روبه‌رو خواهیم بود.

همچنین از سوی دیگر اگر یک بازار تسویه نشود، از راه‌های مستقیم و غیرمستقیم بر سایر بازارها نیز تأثیر خواهد گذاشت. این فرایند را می‌توان به‌صورت زیر نشان داد.

نمودار شماره ۲- تأثیر متقابل بازارها بر یکدیگر



از آنجا که مهم‌ترین محور امنیت اقتصادی در این رویکرد، نبود تعادل اقتصادی است، می‌توان مهم‌ترین نبود تعادل‌های اقتصاد کلان و حتی خرد را شاخص‌های امنیت اقتصادی دانست. بر این اساس شاخص‌های امنیت اقتصادی را می‌توان به‌صورت زیر برشمرد:

۱- نبود تعادل در بازار کالا و خدمات

۲- نبود تعادل در بازار کار

۳- نبود تعادل در بازار سرمایه (پس‌انداز سرمایه‌گذاری)

۴- نبود تعادل در بودجه دولت

۵- نبود تعادل در تراز پرداخت‌های خارجی

در این نگاه می‌توان عوامل متعدد مؤثر بر نبود تعادل‌های اقتصادی و همچنین پیامدهای



ناشی از هر یک از نبود تعادل‌ها را از مظاهر و شاخص‌های ناامنی قلمداد کرد. مثلاً، بودجه دولت ممکن است از ناحیه درآمد و هزینه گرفتار نبود تعادل شود. بنابراین، این نبود تعادل می‌تواند با تأثیر بر حجم نقدینگی، مهم‌ترین عامل افزایش فشارهای تورمی به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر، سهم بالای درآمدهای نفتی در بودجه و حتی سایر بخش‌ها - از این منظر که تحولات بازار نفت در تحقق درآمدهای پیش‌بینی‌شده، تأثیر بالایی خواهد داشت - می‌تواند متغیری برون‌زا و نیز کنترل‌نشده در تأثیرگذاری بر این عدم تعادل باشد. در این نگاه، تحولات بازار نفت و فشار تورمی بالا را می‌توان شاخص‌های ضمنی امنیت اقتصادی دانست.

همچنین در نبود تعادل تراز پرداخت‌ها، مواردی همچون: تغییرات مکرر قوانین و مقررات ارزی و بازرگانی، انحصار و رقابت‌ناپذیری، وضعیت نامناسب سیاسی، ناهماهنگی در سیاست‌های پولی - مالی و ارزی، قانون تجارت، روشن نبودن سیاست‌های جذب سرمایه‌گذار خارجی و... از جمله شاخص‌های ضمنی به‌شمار می‌روند.

از آنجا که «شکاف‌های اقتصادی» هم نوعی عدم تعادل به‌شمار می‌روند، در ادامه موارد مربوط به رویکرد نبود تعادل در امنیت اقتصادی، مقوله نیز قابل طرح است.

شکاف اقتصادی را می‌توان مترادف با نبود تعادل، فاصله میان شرایط مطلوب و شرایطی که در آن داریم (وضع موجود)، یا فاصله حداکثر و حداقل بین متغیرهای کلان (متغیرهای مکمل) دانست.

در این رویکرد نیز امنیت اقتصادی عبارت است از ثبات اقتصادی و رشد پایدار مبتنی بر نبود وجود شکاف‌های اقتصادی. این نگاه قدری فراتر از رویکرد نبود تعادل است.

به‌عبارت دیگر نبود تعادل‌ها نیز، یکی از انواع شکاف‌های اقتصادی شناخته شده‌اند.

در این نگاه، وجود شکاف‌های اقتصادی، دلیلی بر ناامنی اقتصادی است. هر قدر این شکاف‌ها عمیق‌تر باشند، نشان از گسترش و عمق ناامنی اقتصادی خواهند داشت. بر این

اساس، می‌توان شکاف‌های اقتصادی را، شاخص‌های امنیت اقتصادی نیز دانست. بنابراین، از نظر شکاف‌های اقتصادی، شاخص‌های امنیت اقتصادی عبارتند از:

- ۱- شکاف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری
- ۲- شکاف عواید و هزینه‌های دولتی (کسری بودجه)
- ۳- شکاف بخش تجارت خارجی (تراز پرداخت‌ها)
- ۴- شکاف نرخ رشد تولید و نرخ رشد جمعیت
- ۵- شکاف نرخ رشد تولید و نرخ تورم
- ۶- شکاف نرخ اشتغال‌زایی و نرخ بیکاری
- ۷- شکاف GDP واقعی و GDP پولی
- ۸- شکاف GDP بالقوه و GDP بالفعل
- ۹- شکاف اقتصاد رسمی و غیررسمی (زیرزمینی، سیاه، پنهان و ...)
- ۱۰- شکاف درآمد و هزینه خانوار
- ۱۱- شکاف انتظارات (مطالبات و خواسته‌ها و میزان تحقق آن‌ها)
- ۱۲- شکاف تکنولوژیک (توان داخلی و خارجی)
- ۱۳- شکاف بخشی (دوگانگی اقتصاد)
- ۱۴- شکاف منطقه‌ای (توسعه یافته و توسعه نیافته)
- ۱۵- شکاف طبقاتی (فقیر و غنی - دوقطبی شدن جامعه)
- ۱۶- شکاف تولید و مصرف

...

توجه به این نکته ضروری است که برخی از شکاف‌های مطرح شده، دو وجه اساسی

دارند:

- ۱- وجه مثبت

## ۲- وجه منفی

در این مقاله وجه منفی آن بیشتر مورد توجه است. مثلاً، در تجارت خارجی، وجود شکاف با غلبه کسری تجاری و تراز پرداخت، مؤید ناامنی خواهد بود و در جایی که وجود مازاد موجب بروز شکاف است، احتمالاً نمی‌تواند از ناحیه این شاخص (شکاف) مؤید ناامنی اقتصادی باشد. این احتمال بیشتر بدان جهت است که وجود مازاد تجاری مثبت نشان از غلبه صادرات بر واردات دارد که این امر نیز مؤید توان بالای تولید داخلی است. همچنین در حوزه بودجه دولت، درآمد خانوار و... نیز این منطق حاکم است.

۹- رویکرد ابزاری (مؤلفه‌های امنیت اقتصادی)<sup>(۱۷)</sup>

در این رویکرد، مؤلفه‌های امنیت اقتصادی، ابزارهای تأمین امنیت اقتصادی معرفی شده‌اند. به بیان دیگر، بدون آنکه تعریف مشخصی از امنیت اقتصادی ارائه شود، با برداشتی ضمنی از امنیت اقتصادی، مؤلفه‌هایی مانند قوانین، تضمین‌های لازم، از سوی دستگاه حقوقی و ثبات و پایداری سیاست‌ها، ابزارهای برقراری امنیت اقتصادی معرفی شده‌اند. بر این اساس، امنیت اقتصادی شرایطی است که مؤلفه‌های زیر را در بر داشته باشد:

۱- قوانین شفاف: برقراری قوانین کاملاً تعریف‌شده و شفاف در زمینه امور عمومی جامعه و حقوق مالکیت مردم و همچنین وجود ضمانت‌های جدی برای اجرای این قوانین.

۲- تضمین مالکیت: ضمانت قاطع مالکیت مردم با ایجاد ابزارها و وسایل تعریف و تدوین حقوق مالکیت (صدور اسناد مالکیت قطعی - استفاده از تکنولوژی مناسب برای حفاظت از حقوق مالکیت مردم).

۳- دستگاه قضایی کارآمد: وجود دادگستری و دستگاه حقوقی کارآمد که بتواند حقوق از دست رفته و پایمال شده را اعاده کند. این دستگاه باید ۵ شرط زیر را داشته

باشد:

۱-۳- سرعت لازم (سریع)

۲-۳- هزینه کم (ارزان)

۳-۳- استقلال (بی طرفی)

۴-۳- قاطعیت

۵-۳- دسترسی همگانی (در دسترس همگان بودن)

۴- ثبات سیاست‌های کلان: ثبات و پایداری سیاست‌های کلان اقتصادی بدون توجه به تغییرات و تحولات مدیریتی و در صورت ضرورت، انجام اصلاحات حساب‌شده، تدریجی و از پیش اعلام شده در سیاست‌ها.

۵- رتبه‌بندی اهداف: وجود نوعی توافق عمومی بر روی اهداف کلان (درجه اول) رتبه‌بندی شده سیاسی - اقتصادی کشور در سطح ملی. (تقدم و تأخر امنیت و توسعه سیاسی، اقتصادی، نظام حقوقی و...) اینکه ابعاد مختلف امنیت لازم و ملزوم یکدیگرند، امری پذیرفته شده است، اما اینکه کدام یک بر دیگری تقدم دارند و نقش پیشرو را ایفا می‌کنند، بحثی است که با رتبه‌بندی اهداف کلان و توافق عمومی بر روی آنها روشن می‌شود.

در این رویکرد، عناوین پیش گفته، پنج شاخص اصلی امنیت اقتصادی و از سوی دیگر ابزارهای برقراری امنیت اقتصادی به‌شمار می‌آیند.

## ۱۰- رویکرد تأمین آینده<sup>(۱۸)</sup>

در برخی از نگاه‌ها، امنیت اقتصادی، مترادف با تأمین آینده تعریف شده است. به بیان دیگر، ثبات و آرامش درونی و بیرونی ناشی از نبود نگرانی از آینده، همان امنیت اقتصادی است. در این نگاه، ابعاد اصلی امنیت اقتصادی عبارتند از:

## الف- امنیت برای دولت (کلان)

ب- امنیت برای گروه‌ها و طبقات اجتماعی (صاحبان سرمایه، تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاران و ...)

## ج- امنیت برای فرد و خانواده (خرد)

در کشورهای جهان سوم که بیشتر نیازها معطوف به دولت است (کشورهایی که سهم دولت در اقتصاد بالا است - به‌ویژه جهان سوم) و دولت بار تمامی مشکلات را بر دوش می‌کشد، هزینه‌های زیادی برای حل نابسامانی‌های جامعه، بر دوش دولت خواهد بود. از این رو، دولت برای تأمین هزینه‌های خود، نیاز به منابع مالی و درآمد کافی دارد. در این شرایط، امنیت اقتصادی برای دولت، امنیت درآمدی است. بنابراین در نگاه دولت، عواملی که منابع جریان سالم درآمدی دولت را به نوعی تحت تأثیر منفی قرار می‌دهند، عوامل ناامنی تلقی می‌شوند.

تلقی طبقات و گروه‌های اجتماعی از امنیت، در ارتباط مستقیم با اهداف و فعالیت‌های آنها قرار دارد و بر آن اساس تعریف می‌شود. مثلاً برای تولیدکننده امنیت، بیان‌کننده شرایطی است که بتواند محصولات خود را بدون نگرانی تولید کند و در بازار بفروشد.

سرانجام، امنیت برای فرد و خانواده در رابطه با تأمین نیازهای اساسی تعریف و توجیه می‌شود. اگرچه نیازهای اساسی، از منظرهای مختلف ممکن است به گونه‌ای متفاوت تعریف و تعیین شود. اما این تفاوت‌ها در اصل آن تردیدی ایجاد نمی‌کند. در واقع در هر سه بُعد پیش گفته، امنیت در نگاه به آینده تعریف می‌شود.

## ۱۱- رویکرد ریسک و مخاطره

ریسک کشورها یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی تعیین سطح روابط اقتصادی (تجارت، سرمایه‌گذاری و...) بین دو کشور و بنگاه است و کشورها و بنگاه‌ها براساس آن به‌ویژه در

کشورهای در حال توسعه) تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی می‌کنند. برای محاسبه ریسک، از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود که هر کدام از شاخص‌ها بخشی از ریسک و مخاطره کشور و بنگاه را نشان می‌دهند. شاخص ریسک هر کشوری در واقع بیانگر اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور است و میزان اعتماد به آن کشور را در زمینه سرمایه‌گذاری و بازگشت اصل و سود آن و همچنین روابط و تعاملات دو و چندجانبه در ابعاد مختلف، نشان می‌دهد. مثلاً، هزینه‌های سرمایه‌گذاری، نرخ‌های بیمه‌های سرمایه‌گذاری، حمل و نقل، بازدهی اقتصادی، ورود و خروج سرمایه و نیروی کار و ... از مواردی هستند که به شدت از میزان ریسک تأثیر می‌پذیرد.

مبنای محاسبه ریسک و مخاطره در هر کشور، شاخص‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - انسانی است که در آن به وضع فعلی و روند آتی آنها توجه می‌شود.

مؤسسات متعددی در جهان مشغول محاسبه ریسک کشورها هستند. از آنجا که هر یک از مؤسسات، روش و متدولوژی خاص خود را دارند، نتایج به دست آمده ممکن است، یکسان نباشند. در هر حال، مهم‌ترین و معتبرترین مؤسسات رتبه‌گذاری اقتصادی عبارت‌اند از:

- 1- Economic Intelligence Unit (EIU).
- 2- International Country Risk Guide (ICRG).
- 3- Fitch.
- 4- Standard and Poors (S&P).
- 5- Moodys.
- 6- Euro Money.
- 7- Institutional Investor.
- 8- Coplin - Oleary.

### برخی از مدل‌های برآورد ریسک اقتصادی

از آنجا که مدل‌های مورد استفاده مؤسسات در محاسبه ریسک کشورها، به طور کامل ارائه نمی‌شود و معمولاً پنهان است، دسترسی به آنها تقریباً غیرممکن است. بنابراین تا جایی که

دسترسی‌های موجود اجازه می‌دهد، سعی بر آن است که دست‌کم شاخص‌های مورد استفاده آنها - که شاخص‌های ضمنی امنیت اقتصادی هم هستند - معرفی شوند. البته در این رساله، سعی بر آن است که در بررسی و انتخاب شاخص‌ها، بیشتر رویکرد اقتصادی مورد توجه قرار گیرد تا بتوان نتایج به‌دست آمده را با امنیت اقتصادی مرتبط کرد.

**EIU:**

### سیستم برآورد EIU<sup>۱۹</sup>

EIU یکی از مؤسسات فعال در تعیین نرخ ریسک کشورهاست. از نگاه این مؤسسه ریسک‌ها به‌طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- ریسک ملی

۲- ریسک‌های سرمایه‌گذاری ویژه

۳- ریسک درجه تجاری

که در زیر هر یک از این ریسک‌ها را مختصراً بررسی می‌شوند.

#### ۱- EIU: ریسک ملی

ریسک ملی برای ارائه تخمین عمومی از ریسک بازارهای مالی هر کشور قابل پذیرش است و می‌تواند برای سرمایه‌گذارانی که دنبال دیدگاهی کلی از ریسک کشورها برای سرمایه‌گذاری کردن (سرمایه‌گذاری نکردن) هستند، مؤثر باشد.

ریسک ملی خود به چهار دسته تقسیم می‌شود، که عبارتند از:

۱- ریسک سیاسی

۲- ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی

۳- ریسک ساختار اقتصادی

## ۴- ریسک نقدینگی

۱-۱- EIU: ریسک سیاسی<sup>۱</sup>

ریسک سیاسی نشان‌دهنده قدرت و ثبات سیاسی در سطح مالی و مراودات بین‌المللی است. درباره برآورد ریسک سیاسی، ۱۱ پرسش مطرح می‌شود که کاملاً ذهنی (کیفی) هستند. ریسک سیاسی، ۲۲ درصد از وزن ریسک ملی را به خود اختصاص می‌دهد.

ریسک سیاسی در دو گروه طبقه‌بندی می‌شود:

الف- ثبات سیاسی: مجموعه تهدیدهای داخلی و خارجی را - که امنیت کشور را با مشکل روبه‌رو می‌سازد - بررسی می‌کند و شامل متغیرهای زیر است:

۱- جنگ

۲- آشوب داخلی

۳- آشوب سیاسی

۴- مشاجرات بین‌المللی

ب- عملکرد سیاسی: در عملکرد سیاسی، عملکرد و رفتار سیاستمداران و دولتمردان و نتایج و پیامدهای آنها مطالعه می‌شود و شامل متغیرهای زیر است:

۱- تغییر دولت‌ها

۲- جهت‌گیری‌های ضد تجاری

۳- بوروکراسی

۴- شفافیت

۵- فساد

۶- جرم و قانون‌شکنی



## ۲-۱- EIU: ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی<sup>۱</sup>

عامل ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی، دربرگیرنده ثبات، دوام و کیفیت سیاست‌های اقتصادی است. درباره عوامل تعیین‌کننده ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی ۲۷۰ سؤال مطرح می‌شود که از این تعداد، ۱۵ پرسش ذهنی (کیفی) هستند. نتایج این سؤالات تعیین‌کننده خواهد بود. ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی، ۲۸ درصد از ریسک ملی را به خود اختصاص می‌دهد که بالاترین وزن را دارد.

انواع ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی به پنج گروه تقسیم می‌شوند که هر کدام دربرگیرنده گروهی از شاخص‌ها هستند.

الف- سیاست‌های پولی: شامل متغیرهای زیر است:

- ۱- نرخ تورم
- ۲- هدایت نرخ تورم
- ۳- سیاست ایجاد انگیزه برای پس‌اندازکنندگان (حمایت از افزایش نرخ بهره)
- ۴- ثبات پولی
- ۵- به‌کارگیری ابزارهای سیاست‌های پولی (نرخ قرض‌دهندگی واقعی)<sup>۲</sup>
- ۶- آزادسازی مالی

ب- سیاست‌های مالی: شامل متغیرهای زیر است:

- ۱- نسبت تعادل بودجه بخش عمومی به تولید ناخالص داخلی (GDP)
- ۲- توازن بودجه و کسری انباشته در سال‌های مختلف
- ۳- توانایی دولت در ایجاد درآمد مالیاتی
- ۴- نسبت بدهی عمومی به GDP

1. Economic Policy Risk.  
2. Real landing Rates

ج- سیاست‌های ارزی: شامل متغیرهای زیر است:

۱- افزایش نرخ مبادله حقیقی

۲- ارزیابی افزایش قیمت واقعی

۳- انتخاب رژیم ارزی

۴- تغییر در پیش‌بینی‌ها (چشم‌اندازها)

۵- انتظارات تغییر رژیم ارزی

۶- اختلاف نرخ بهره

۷- بازار سیاه (دوگانگی نرخ ارز)

د- سیاست‌های تجاری: شامل متغیرهای زیر است:

۱- آزادسازی تجاری

۲- نسبت صادرات به GDP

ه- سیاست‌های نظارتی: شامل متغیرهای زیر است:

۱- درست و به‌موقع بودن داده‌های رسمی (آمارهای رسمی)

۲- سیاست‌های جلب سرمایه‌های خارجی

۳- محدودیت‌های اعمال‌شده بر روی مبادلات (تجارت)

### ۳-۱-۱- EIU: ریسک ساختار اقتصادی<sup>۱</sup>

ریسک ساختار اقتصادی، متغیرهایی را در بر می‌گیرد که نقش اصلی را در توانایی بازپرداخت بدهی‌ها دارند. ریسک ساختار اقتصادی، ۲۷ درصد از ریسک ملی را در بر می‌گیرد و بعد از ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی از نظر وزنی در رتبه دوم قرار دارد. متغیرهای ریسک ساختار اقتصادی به شرح زیر در چهار گروه قرار دارند:

1. Economic Ecobure Risk.

الف- محیط بین‌الملل: شامل متغیرهای زیر است:

- ۱- نرخ بهره کوتاه‌مدت جهانی
- ۲- نرخ رشد واقعی GDP جهانی
- ۳- حمایت‌های مالی بین‌المللی
- ۴- اثر سیاست‌های بین‌المللی

ب- حساب جاری: شامل متغیرهای زیر است:

- ۱- کسری حساب جاری انباشته شده برای سال‌های مختلف
- ۲- مدیریت حساب جاری
- ۳- میزان حساب جاری (کسری حساب جاری، سرمایه‌گذاری، حرکت به سوی مصرف‌گرایی)
- ۴- میزان اتکا به صادرات یک ماده خام
- ۵- اتکا به صادرات یک محصول
- ۶- دریافتی‌های صادراتی از لحاظ نرخ رشد

ج- رشد: شامل متغیرهای زیر است:

- ۱- نسبت پس‌انداز به GDP
- ۲- سیستم پرداخت حقوق بازنشستگی
- ۳- کارآیی سرمایه‌گذاری
- ۴- متوسط رشد GDP
- ۵- آخرین نرخ رشد GDP واقعی
- ۶- نوسانات رشد GDP واقعی

د- ساختار مالی: شامل متغیرهای زیر است:

- ۱- قیمت دارایی

- ۲- عملکرد ذخایر بانکی
- ۳- میزان شیوع (مقدار) ورشکستگی های بانکی
- ۴- تکیه بر بدهی های خارجی
- ۵- فساد در بخش بانکی
- ۶- میزان مشارکت دولت در بخش بانکی

#### ۴-۱- EIU: ریسک نقدینگی<sup>۱</sup>

ریسک نقدینگی نبود توازن بالقوه بین منابع و الزاماتی را در بر می گیرد که ناشی از اختلال در بازارهای مالی است و ثبات و پشتوانه سرمایه کشور را اندازه گیری می کند. در این نوع ریسک، کشورها از لحاظ برخورداری از ذخایر ارزی، اعتبار مالی سرمایه گذاری مستقیم خارجی با دسترسی ساده و ارزان به بازار سرمایه و ثبات ارزش پول ملی بررسی می شوند. ریسک نقدینگی از لحاظ وزنی، ۲۳ درصد از ریسک ملی را در بر می گیرد. همچنین در میان سؤالاتی که درباره ریسک نقدینگی مطرح می شود، ۲ تای آنها کیفی هستند.

ریسک نقدینگی شامل متغیرهای زیر است:

- ۱- نسبت بدهی خارجی کوتاه مدت به صادرات
- ۲- درصد کاهش ذخایر رسمی (واقعی)
- ۳- درصد کاهش ذخایر رسمی (پیش بینی)
- ۴- پوشش وارداتی
- ۵- نسبت شبه پول (برحسب دلار آمریکا) به ذخایر
- ۶- میزان دسترسی به بازارهای سرمایه
- ۷- ساختار سررسید بدهی های داخلی

## ۲- EIU: ریسک سرمایه‌گذاری ویژه

دومین گروه اصلی ریسک از نگاه مؤسسه EIU، ریسک سرمایه‌گذاری ویژه است که در سه گروه تقسیم‌بندی شده است که هر کدام از آنها ترکیبی وزنی از گروه‌های ریسک ملی هستند.

### ۱- EIU-۲: ریسک کاهش ارزش پول

این شاخص ریسک، نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی را در برابر دلار آمریکا در سطح ۲۰ درصد یا بیشتر، برای یک دوره پیش‌بینی شده ارزیابی می‌کند.

ریسک کاهش ارزش پول، ترکیبی از ریسک‌های سیاست‌گذاری اقتصادی، ساختار اقتصادی، نقدینگی و سیاسی است که هر یک، درصدی از ریسک کاهش ارزش پول را در بر می‌گیرند. وزن هر یک از آنها به شرح زیر است:

۱- ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی ۴۵ درصد

۲- ریسک ساختار اقتصادی ۱۷ درصد

۳- ریسک نقدینگی ۱۴ درصد

۴- ریسک سیاسی ۲۴ درصد

### ۲- EIU: ریسک بدهی کشوری (دولتی)<sup>۱</sup>

ریسک بازپرداخت بدهی دولت، از ریسک عقب افتادن بدهی (خصوصی) یا بهره بدهی خارجی که یا مستقیماً دولت استقراض کرده یا ضمانت پرداخت آن را بر عهده گرفته است، به دست می‌آید. هر یک از اجزای اصلی ریسک ملی در برآورد ریسک این نوع سرمایه‌گذاری خاص به کار می‌روند که به هر کدام از آنها وزنی به شرح زیر داده می‌شود:

1. Sovereign Debt.

۱- ریسک نقدینگی ۳۱ درصد

۲- ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی ۲۷ درصد

۳- ریسک ساختار اقتصادی ۲۷ درصد

۴- ریسک سیاسی ۱۵ درصد

### ۲-۳- EIU: ریسک نظام بانکی<sup>۱</sup>

اندازه‌گیری و تخمین این ریسک بیشتر به ریسک نبود بازپرداخت اصل و فرع بدهی‌های خارجی معوق به وسیله مؤسسه بانکی (خصوصی) باز می‌گردد. در این نوع ریسک نیز هر یک از اجزای ریسک ملی دخیل هستند و هر یک وزنی به شرح زیر دارند:

۱- ریسک ساختار اقتصادی ۲۰ درصد (مبنای مقایسه ریسک ساختار مالی به‌عنوان

زیرگروه ریسک ساختار اقتصادی، است)

۲- ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی ۳۰ درصد

۳- ریسک نقدینگی ۱۰ درصد

۴- ریسک سیاسی ۶ درصد

### ۳- EIU: ریسک درجه تجاری (مدل رتبه‌بندی تجاری)

مدل رتبه‌بندی تجاری EIU، میزان جذابیت شرایط تجاری را با استفاده از چارچوب تحلیلی استاندارد اندازه‌گیری می‌کند. این مدل که برگرفته از شاخص‌ها و متغیرهای ارائه‌شده است، نشان می‌دهد که شرکت‌ها برای تدوین استراتژی کلان تجاری خود در رابطه با کشورها، به چه عواملی استناد می‌کنند. مدل رتبه‌بندی تجاری، ۱۰ معیار را با اجزا و شاخص‌های مجزا بررسی می‌کند که تقریباً نیمی از شاخص‌ها که بر داده‌های کمی

استوارند، عبارتند از:

### ۱-۳-ETU: محیط سیاسی

- ریسک درگیری نظامی
- ریسک ناآرامی اجتماعی
- سازوکارهای قانونی انتقال بسامان قدرت
- خطر خشونت‌های سیاسی
- منازعات و تنش‌های بین‌المللی
- خط‌مشی دولت در قبال واحدهای اقتصادی
- درجه کارآمدی نظام سیاسی در تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها
- کیفیت دیوان‌سالاری
- شفافیت و منصفانه بودن نظام سیاسی
- فساد
- تأثیر جرایم

### ۲-۳-ETU: شرایط کلان اقتصادی

- تورم
- تراز بودجه (درصدی از تولید)
- بدهی دولت (درصدی از تولید)
- نوسانات نرخ ارز
- تراز حساب جاری (درصدی از تولید)

**۳-۳-۳: EIU فرصت‌های بازار**

- محصول ناخالص داخلی به میلیون دلار (برابری قدرت خرید)
- محصول ناخالص داخلی سرانه (دلار آمریکا)
- رشد واقعی محصول ناخالص داخلی
- سهم تجارت جهانی
- متوسط رشد سالانه صادرات
- متوسط رشد سالانه واردات
- میزان منابع طبیعی
- سودآوری

**۳-۳-۴: EIU سیاست دولت در قبال بخش خصوصی و رقابتی**

- میزان تضمین و حمایت از حقوق مالکیت خصوصی
- مقررات تأسیس کسب و کار جدید
- آزادی رقابت
- تشویق رقابت و مهارت‌های ناعادلانه اقتصادی
- حمایت از مالکیت معنوی
- کنترل قیمت
- انحرافات ناشی از نفوذ گروه‌های ذی‌نفع
- انحرافات ناشی از مالکیت یا کنترل دولتی

**۳-۳-۵: EIU شرایط محیطی و خط‌مشی سرمایه‌گذاری خارجی**

- سیاست دولت در قبال سرمایه‌گذاری خارجی



- تحمل و تساهل در برابر فرهنگ بیگانه
- ریسک مصادره سرمایه‌های خارجی
- دسترسی به تضمین سرمایه‌گذاری

### ۶-۳-EIU: تجارت خارجی و رژیم ارزی

- آزادسازی حساب سرمایه
- حمایت تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای
- باز بودن نظام تجاری
- محدودیت‌های حساب جاری

### ۷-۳-EIU: رژیم مالیاتی

- بار مالیات بر شرکت‌ها
- سقف مالیات بر درآمد اشخاص
- مالیات بر ارزش افزوده
- سهم کارفرما در حق بیمه تأمین اجتماعی
- میزان تشویق سرمایه‌گذاری‌های جدید
- پایداری و منصفانه بودن نظام مالیاتی

### ۸-۳-EIU: تأمین مالی

- باز بودن بخش بانکی
- ارزش سرمایه در بازار سهام
- انحراف در بازارهای مالی
- کیفیت نظارت مقررات مالی

- میزان دسترسی خارجی‌ها به بازار سرمایه
- میزان دسترسی به منابع مالی میان مدت

### ۹-۳-EIU: بازار کار

- احتمال بروز اعتصابات
- هزینه‌های نیروی کار برای بهره‌وری
- دسترسی به کارگران ماهر
- کیفیت نیروی کار
- گستره مقررات مربوط به دستمزدها
- استخدام کارگر خارجی
- هزینه زندگی

### ۱۰-۳-EIU: زیرساخت‌ها

- تلفن (نسبت به جمعیت)
- میزان اطمینان به شبکه‌های ارتباط دور
- گستره و کیفیت شبکه راه‌ها
- میزان تولید سرانه الکتریسیته
- زیرساخت لازم برای توزیع عمده و خرده‌فروشی
- گستره و کیفیت شبکه راه آهن
- کیفیت زیرساخت بنادر
- تعداد کامپیوترهای شخصی
- هزینه‌های تحقق و توسعه (درصدی از تولید)
- اجازه دفتر کار

**ICRG:****سیستم ICRG<sup>(۲۰)</sup>**

مؤسسات رتبه‌گذاری معمولاً از دو سیستم برای ارزیابی ریسک‌های اقتصادی استفاده می‌کنند که یکی از آنها سیستم ICRG است (و دیگری سیستم Coplin Oleary) که در زیر به بررسی آن می‌پردازیم.

اجزاء ریسک در سیستم ICRG در سه گروه قرار دارند که عبارتند از:

الف- ریسک سیاسی<sup>۱</sup>: مبتنی بر تجزیه و تحلیل ذهنی اطلاعات موجود، شامل ۱۳ شاخص.

ب- ریسک مالی<sup>۲</sup>: مبتنی بر تجزیه و تحلیل ذهنی و عینی اطلاعات موجود، شامل ۵ شاخص.

ج- ریسک اقتصادی<sup>۳</sup>: مبتنی بر تجزیه و تحلیل عینی اطلاعات موجود، شامل ۶ شاخص.

پس از آنکه برآورد ریسک‌ها، با هر یک از شاخص‌های بیست و چهارگانه فوق انجام گرفت، برآوردهای انجام‌شده با یکدیگر ادغام می‌شود و هر یک از ریسک‌های سیاسی، مالی و اقتصادی به دست می‌آید. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشگاه علوم انسانی

سپس برآوردهای ریسک انجام می‌گیرد و بر اساس فرمول زیر با یکدیگر ترکیب شده تا ریسک مرکب به دست آید.

$$CR^4 = 0/5 (PR + FR + ER)$$

البته می‌توان وزن و شدت و ضعف هر یک از اجزای ریسک مرکب را با توجه به شرایط هر کشور، تغییر داد. مثلاً ممکن است در شرایطی، ریسک اقتصادی وزن بیشتری داشته

- 
1. Political Risk. (PR)
  2. Financial Risk. (FR)
  3. Economic Risk. (ER)
  4. Composite Risk. (CR)

باشد و در شرایط دیگر، ریسک سیاسی و...  
 در ریسک مرکب، بالاترین رقم برآورد یعنی ۱۰۰ نشانگر پایین‌ترین درجه ریسک و  
 پایین‌ترین رقم یعنی صفر نشانگر بالاترین درجه ریسک است. به کارگیری طیف صفر تا  
 ۱۰۰ به صورت زیر نشان‌دهنده رتبه‌های بسیار بالا تا پایین است:  
 اجزای هر یک از ریسک‌های سیاسی، مالی و اقتصادی به شرح زیر است:

### ۱-ICRG: ریسک سیاسی

ریسک سیاسی شامل شاخص‌های را در بر می‌گیرد:

- ۱- انتظارات اقتصادی در برابر واقعیت‌ها
- ۲- شکست طرح‌های اقتصادی
- ۳- رهبری سیاسی
- ۴- نزاع خارجی (درگیری خارجی)
- ۵- فساد در دولت
- ۶- دخالت گروه‌های مذهبی در سیاست
- ۷- قانون و عرف
- ۸- فشارهای نژادی و ملی
- ۹- تروریسم سیاسی
- ۱۰- جنگ داخلی
- ۱۱- توسعه احزاب سیاسی
- ۱۲- کیفیت بوروکراسی

### ۲-ICRG: ریسک مالی

ریسک مالی شامل شاخص‌های زیر است:

- ۱- کاهش وام یا بازپرداخت نامطلوب وام
- ۲- پرداخت اعتبارات
- ۳- نکول قرارداد توسط دولت‌ها
- ۴- هزینه‌های ناشی از کنترل مبادلات
- ۵- سلب مالکیت سرمایه‌های خصوصی (خارجی)

### ۳-ICRG: ریسک اقتصادی

ریسک اقتصادی شامل شاخص‌های زیر است:

- ۱- تورم
- ۲- پرداخت اصل و فرع بدهی‌ها به‌عنوان درصدی از صادرات کالاها و خدمات
- ۳- نقدینگی
- ۴- تجارت خارجی
- ۵- موازنه حساب جاری به‌عنوان درصدی از کالاها و خدمات
- ۶- شاخص‌های بازار مبادلات خارجی

### ۱-F: سیستم فیچ (Fitch)

مؤسسه فیچ یکی از سه مؤسسه معتبر در رتبه‌گذاری کشورهاست که با توجه به شاخص‌های مورد نظر خود، دست به رتبه‌گذاری کشورها می‌زند. ساختار اصلی رتبه‌گذاری از سوی این مؤسسه به شرح جدول زیر است.<sup>۲۱</sup>

جدول شماره ۲- ساختار رتبه‌گذاری مؤسسه فیچ

حوزه‌های مرتبط	حوزه‌ها
----------------	---------

1. Fitch Sovereign Ratings, Rating Methodology.

<p>این حوزه از ناحیه سیاست‌گذاری‌ها، سرمایه‌گذاری خارجی و شوک‌های بین‌المللی متأثر می‌شود. تسلط این بخش بر اقتصاد کشور باعث ضعف ساختاری شده است. به دلیل ملی بودن صنعت نفت و گاز در ایران، دولت و سیاست‌های آن، مهم‌ترین مؤلفه در این حوزه است.</p>	<p>۱- حوزه منابع طبیعی - نفت - گاز - سایر</p>
<p>عملکرد این حوزه تحت تأثیر دو حوزه سیاسی و ساختاری اقتصاد است. اختلافات سیاسی داخلی می‌تواند منجر به کنار گذاشتن اصلاحات شود. همچنین در سطح بین‌المللی، تنش‌های سیاسی موانعی را در تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد می‌کنند. ساختارهای نامناسب اقتصادی، همچون غیررقابتی بودن اقتصاد، نبود نظام کارایی بانکی، متنوع نبودن اقتصاد و... از دیگر حوزه‌های مرتبط هستند.</p>	<p>۲- حوزه سیاست‌ها و اصلاحات اقتصادی - بانک مرکزی: سیاست‌های پولی و ارزی - دولت: سیاست‌های تجاری سیاست‌های خصوصی‌سازی و کاهش حجم دولت سیاست‌های اصلاح نظام یارانه‌ها و مالیات‌ها</p>
<p>عمده‌ترین حوزه تأثیرگذار بر ساختار اقتصادی کشور حوزه سیاسی است؛ وجود انحصارات با منشأ سیاسی که منجر به ناتوانی برنامه‌های خصوصی‌سازی و کاهش حجم دولت می‌شود، درگیری‌های سیاسی در اصلاح قوانین سرمایه‌گذاری خارجی، مجادلات درباره اصلاح و تدوین عملکرد بانکی و خصوصی‌سازی بانکی، از جمله مصادیق عملکرد نامطلوب نظام سیاسی در بستر ساختار اقتصادی است. همچنین تسلط بخش نفت، یکی دیگر از مشکلات ساختاری کشور است، بنابراین مسائل و مشکلات حوزه نفت نیز در این حوزه اهمیت دارد.</p>	<p>۳- حوزه ساختارهای اقتصادی: - دولت و حجم آن - وجود انحصارات (بنیادها) - نظام بانکی - بازار کار (مشکل بیکاری) - بخش نفت (و تسلط بر اقتصاد)</p>
<p>از عوامل تأثیرگذار بر این حوزه، روابط خارجی ایران با کشورهای همسایه و قدرت‌های بزرگ جهان است. تنش‌های منطقه‌ای و احتمال درگیری با همسایه‌ها، این ریسک را افزایش می‌دهد. عضویت در سازمان‌های بین‌المللی (از جمله WTO) و همچنین بهبود حجم</p>	<p>۴- حوزه سیاسی: - سیاست خارجی کشور در قبال همسایگان و در سطح بین‌المللی</p>

<p>سرمايه‌گذاري خارجي در کاهش اين ريسک مؤثر است. يکي از موانع عمده در راه پيوستن ايران به WTO و حصول سرمايه‌گذاري خارجي مورد نياز، علاوه بر ناکامي بسياري از اصلاحات اقتصادي، سياسي و اجتماعي و اصلاحات لازم در قوانين مدني، موضع‌گيري آمريکا نسبت به ايران است. همچنين درگيري‌هاي بين گروه‌هاي سياسي و اختلافات دروني نهادهاي سياسي، اقتصادي، فرهنگي و بين آنها از مسائل تأثيرگذار در اين بخش است. قدرت اقتصادي صاحبان قدرت‌هاي سياسي (تداخل قدرت سياسي و اقتصادي) از ديگر موارد است.</p>	<p>- مسائل سياسي داخلي: • عملکرد و هماهنگي قواي سه‌گانه و اختلافات آنها • عملکرد و هماهنگي دو گروه محافظه‌کار و اصلاح‌طلب و اختلافات آنها - مؤلفه‌هاي اجتماعي و فرهنگي بازار کار و تنش‌هاي ناشي از آن</p>
--	---

### سيستم Coplin - Oleary<sup>(۲۲)</sup>

در اين سيستم، ريسک‌هاي مربوط به ثبات حکومت و تجارت عمومي در چهار گروه عمده ارزيابي مي‌شوند که عبارتند از:

- ۱- ريسک آشوب
- ۲- ريسک انتقال مالي
- ۳- ريسک سرمايه‌گذاري مستقيم
- ۴- ريسک بازارهاي صادرات

مهم‌ترين مسئله يک دولت، ثبات است. ثبات حکومت‌ها و پايداري قدرت دولت‌ها بين ۵ تا ۱۸ سال، ثبات حکومت و شاخص‌هاي فوق احتمالات اين پيش‌بيني‌ها را نشان مي‌دهد. با در نظر گرفتن شاخص‌هاي مرتبط با اين سيستم، چهار درجه ريسک به شرح زير وجود خواهد داشت.

- A: ريسک پايين
- B: ريسک متوسط
- C: ريسک بالا
- D: ريسک بسيار بالا

اجزا و شاخص‌هاي اين سيستم به شرح جدول زير است.

جدول شماره ۳- سیستم Coplin - Oleary

برآوردهای ریسک بازار صادرات	برآوردهای ریسک سرمایه‌گذاری مستقیم	برآوردهای ریسک انتقال مالی	برآوردهای ریسک آشوب	ریسک / کشور
اصطلاح «صادرات» به ریسک‌هایی اشاره دارد که صادرکنندگان با آن روبه‌رو می‌شوند به‌ویژه ریسک‌های مربوط به شرایط بازار، موانع واردات، تأخیرها و مشکلات رسیدن پرداخت بهای کالاها. برآوردهای ریسک مذکور برای صادرکنندگان خارجی شرایط آینده را طی ۱۸ ماه الی ۵ سال پیش‌بینی می‌کند.	اصطلاح «سرمایه‌گذاری» به ریسک‌های سرمایه‌گذاری خارجی در شرکت‌های کاملاً خصوصی، همکاری مشترک و سایر اشکال مالکیت مستقیم دارایی‌های خارجی در یک کشور اشاره دارد.	اصطلاح «انتقال» در ادبیات ریسک امکان انتقال مالی از پول رایج داخلی به پول رایج خارجی و برعکس و انتقال پول به خارج از کشور اشاره دارد. خطر احتمالی ریسک انتقال مالی هنگامی است که سرمایه‌گذار یا وام‌گیرنده می‌خواهد وام را بازپرداخت کند یا پولی را خارج کند، اما مقررات و محدودیت‌های ارزی کشور اجازه چنین انتقالی را نمی‌دهد.	اصطلاح «آشوب» شامل اعتراضات گسترده، اعتصابات عمومی، تظاهرات شورش‌ها، تروریسم، جنگ چریکی (پارتیزانی) جنگ داخلی و جنگ مرزی است. همچنین آشفتنگی ناشی از واکنش دولت نسبت به ناآرامی نیز در بر می‌گیرد. ریسک کوتاه‌مدت آشوب ناشی از تجارت بین‌المللی به سطح پایین، متوسط، بالا و خیلی بالا درجه‌بندی می‌شود. برآورد پنج‌ساله از «به‌عنوان پایه» موازنه بین نیروهای موافق و مخالف و پیش‌بینی‌های تغییر، تحت سه سناریوی پایداری احتمالی یک حکومت محاسبه می‌شود.	ریسک / کشور



کشورهای A / ریسک پایین	برای کشورهایی با این برآورد، نارضایتی به‌صورت مسالمت‌آمیز بیان می‌شود و وقایع خشونت‌بار سیاسی نادر است و تقریباً تأثیر مستقیم و یا غیرمستقیم بر تجارت خارجی نمی‌گذارد.	در این کشورها کنترل‌های ارزی، محدودیت‌های توزیع و سایر موانع انتقال مالی وجود ندارد و احتمال کمی وجود دارد که این کنترلها در طی مدت پیش‌بینی شده بوجود آید و یا افزایش یابد.	محدودیت بر بیشتر مالکیت دارایی در بیشتر صنایع کم است؛ کنترل فعالیت اقتصادی داخلی و فعالیت با ارز خارجی کم است، سیاست مالیاتی بین تجارت خارجی و داخلی تمایز قائل نمی‌شود. افزایش محدودیت‌ها و تهدیدهای مختصر ناشی از آشفتگی سیاسی، احتمال کمی دارد.	ثبات از لحاظ سیاسی و اقتصادی، موانع کم تجاری و ذخایر مناسب خارجی، باعث پرداخت به‌هنگام بدهی و قیمت کالاهای صادراتی می‌شوند، و احتمال کمی برای تغییر شرایط مناسب فوق وجود دارد.
کشورهای B / ریسک متوسط	کشورهایی هستند که تجارت خارجی در آنها گاهی اوقات می‌تواند با شورش‌های گاه‌وبیگاه، اعمال تروریستی و سطوح عمده ناآرامی کارگری یا انواع دیگر نارضایتی تحت تأثیر واقع شود.	در این کشورها تاخیرات نسبتاً کم یا پراکنده در بازپرداخت تعهدات مالی بوجود می‌آید و تاخیرات در مدت پیش‌بینی بازپرداخت افزایش خواهد یافت.	در این کشورها، مالکیت دارایی به‌عناوین مختلف، از سوی دولت‌ها تهدید می‌شود. در اقدامات داخلی، ارز خارجی و تمایز مالیات‌بندی محدودیت قابل توجهی هستند.	احساس ضعیف حمایت از مصنوعات داخلی و وضعیت ارز خارجی وجود دارد و احتمالاً منجر به تعرفه ناچیز و موانع غیر تعرفه‌ای برای تجارت می‌شود. تاخیرهای نسبتاً کم پرداخت از شرایط اقتصادی ضعیف ناشی می‌شود و این امکانی وجود دارد که در شرایط فعالیت تجاری در طول مدت پیش‌بینی شده بدتر شود.

کشورهای C / ریسک بالا	کشورهای D / ریسک بسیار بالا		
کشورهای C / ریسک بالا	کشورهای D / ریسک بسیار بالا	در این کشورها تاخیرات نسبتاً کم به زیاد و حتی انسداد انتقال‌های مالی می‌انجامد و شرایطی است که موانع ظرف مدت پیش‌بینی افزایش می‌یابد.	در این گونه کشورها با کنترل‌های شدید ارزی و تاخیرهای طولانی در انتقال پول رایج (نقدینگی) امکان کمی وجود دارد تا شرایط را ظرف مدت پیش‌بینی شده بهبود دهند.
کشورهای C / ریسک بالا	کشورهای D / ریسک بسیار بالا	محدودیت و تهدید نسبی در مورد مالکیت دارایی وجود دارد. امکان بروز بی‌ثباتی وجود دارد و در طول زمان رو به افزایش است.	محدودیت قابل توجه در مالکیت دارایی شامل رفع مالکیت دارایی توسط خارجیان وجود دارد. قانون‌گذاری در مورد اقدامات داخلی، مسائل ارزی خارجی، تبعیض مالیات‌بندی و آشفتگی سیاسی تهدیدی جدی برای اقدامات تجاری بوجود می‌آورند. امکان ایجاد محدودیت‌ها و آشفتگی در سطحی بالا وجود دارد و یا طی مدت پیش‌بینی شده افزایش خواهد یافت.
کشورهای C / ریسک بالا	کشورهای D / ریسک بسیار بالا	کشورهایی که با ریسک بالا از خشونت و یا آشوب‌های بالقوه رنج می‌برند و شدیداً بر تجارت خارجی شان تأثیر می‌گذارد.	در این گونه کشورها تعرفه سنگین و موانع غیرتعرفه‌ی بسیار وجود دارد. احساس حمایت از مصنوعات داخلی و نبود پول رایج خارجی، تاخیرهای طولانی پرداخت و یا احتمال نبود امکان کمی وجود دارد که در این کشورها شرایط بهبود یابد و احتمال زیادی وجود دارد که در شرایط، آینده بدتر و موانع بیشتر شود.

### - برخی از مدل‌های برآورد ریسک اقتصادی

درباره شاخص‌های اقتصادی در محاسبه ریسک کشورها تحقیقات زیادی انجام گرفته است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

## ۱- مدل Alfonso - Lupi ۲۰۰۲ ۲۳

در این مدل، روش‌های دو مؤسسه Moodys و Standard & Poors (S&P) بررسی شده است. در این مدل از روش رگرسیون چندمتغیره خطی استفاده شده است.

$$Rating_i = \alpha_0 + \alpha_1(GDPC)_i + \alpha_2(INFL)_i + \alpha_3(GDPGR)_i + \alpha_4(DEVELOP)_i + \alpha_5(DEBT)_i + \alpha_6(DEF)_i$$

که در این مدل متغیرها که همان شاخص‌های ریسک و مخاطره هستند، به شرح زیر تعریف شده‌اند:

## ۱) INFL: نرخ تورم

برای نرخ تورم، متوسط ۳ سال پایانی دوره مورد مطالعه در نظر گرفته شده است. و با ریسک یک کشور رابطه مثبت دارد. هر قدر تورم بیشتر باشد، میزان ریسک بالاتر خواهد بود.

## ۲) GDPGR: نرخ رشد حقیقی (واقعی)

برای این متغیر نیز متوسط ۳ سال پایانی در نظر گرفته شده است و با ریسک یک کشور رابطه معکوس دارد؛ بدین معنی که رشد بیشتر به معنای ریسک کمتر و پایین‌تر خواهد بود.

## ۳) DEBT: نسبت بدهی خارجی به صادرات

این متغیر تنها برای آخرین سال مورد بررسی محاسبه می‌شود و با ریسک رابطه مستقیم دارد. به این معنی که با افزایش آن، ریسک نیز افزایش خواهد یافت.

## ۴) GDPC: درآمد سرانه

این شاخص نیز فقط برای سال پایانی محاسبه می‌شود و با ریسک رابطه معکوس دارد. یعنی با افزایش درآمد سرانه ریسک کاهش خواهد یافت.

**(۵) DEVELOP: توسعه یافتگی**

این شاخص متغیری مجازی است که در صورت توسعه یافته بودن یک کشور رقم یک و در غیر این صورت رقم صفر را اختیار خواهد کرد.

**(۶) DEF: نکول**

این شاخص به صورت متغیری مجازی در معادله به کار رفته است که در صورت نکول واحهای گذشته، مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را اختیار خواهد کرد. رتبه‌های در نظر گرفته شده توسط این دو مؤسسه به صورت زیر از مقدار یک که معرف بدترین حالت و بالاترین ریسک است تا مقدار ۱۶ که معرف بهترین و حداقل ریسک است، نشان داده می‌شود.

رتبه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
Moody's	B3	B2	B1	Ba3	Ba2	Ba1	Baa3	Baa2	Baa1	A3	A2	A1	Aa3	Aa2	Aa1	Aaa
S&P	B-	B	B+	BB-	BB	BB+	BBB-	BBB	BBB+	A-	A	A+	AA-	AA	AA+	AAA

کمترین ریسک |—————| بالاترین ریسک  
بهترین حالت |—————| بدترین حالت

**۲- مدل Nadeem Haque<sup>۲۴</sup>**

در این مدل که روش‌های مؤسسات EIU، Euromoney و Institutional investor مورد استفاده قرار گرفته‌اند، محققان مدل خود را بر ۸ شاخص اقتصادی بنا نهاده‌اند، البته در این مدل شاخص‌های سیاسی مهمی نیز در نظر گرفته شده‌اند که با توجه به اینکه عوامل اقتصادی مورد بحث هستند، صرفاً به آنها پرداخته می‌شود. بنابراین متغیرهای زیر، از این نگاه، شاخص‌های ریسک و مخاطره اقتصادی به‌شمار می‌روند. این شاخص‌ها عبارتند از:

۱- تورم (در مدل، لگاریتم تورم وارد می‌شود)

۲- رشد

۳- نسبت پوشش واردات (نسبت ذخایر ارزی به واردات)

۴- نسبت بدهی خارجی به GDP

۵- نسبت حساب جاری به GDP

۶- رشد صادرات

۷- شاخص ریسک دوره قبلی

۸- نرخ بازدهی اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا (سه ماهه)

علت وارد کردن شاخص ریسک دوره قبل در این محاسبه، می‌تواند این باشد که چون این مؤسسات، از نظرسنجی استفاده می‌کنند، نتایج قبلی می‌تواند بر دیدگاه‌های فعلی تأثیر بگذارد.

گفتنی است درباره دو مؤسسه EIU و INT.Investor تحقیق دیگری نیز توسط Coset و Roy به عمل آمده است که در مدل آن‌ها، شاخص‌های درآمد سرانه و میل به سرمایه‌گذاری جزو مهم‌ترین عوامل برای تعیین شاخص ریسک توسط این دو مؤسسه معرفی شده‌اند و همچنین همبستگی زیادی بین شاخص‌های این دو مؤسسه به دست آمده است.

همچنین برای مؤسسه Euromoney نیز علاوه بر شاخص‌های فوق، از نظر ریسک سیاسی، تعداد اعتصابات مورد توجه است.

## ۵- امنیت اقتصادی در نگاه دوم<sup>(۲۵)</sup>

به‌طور کلی، آنچه تاکنون درباره امنیت اقتصادی گفته شد، رویکردهای متفاوتی بود که به نظر می‌رسد می‌توان ریشه‌ای واحد می‌توان برای آنها تعریف کرد و آن‌هم در حقیقت دسترسی به اطلاعات و داده‌هایی است که فعال اقتصادی (تولیدکننده، مصرف‌کننده، صاحبان سرمایه و...) می‌تواند بر اساس آن، فعالیت خود را در حال و آینده تنظیم کند.

چنانکه در قسمت امنیت ملی، در نگاه دوم گفته شد، در حوزه اقتصادی نیز محوریت تعریف امنیت در سه حوزه تولید و دسترسی به اطلاعات، مدیریت اطلاعات و تکنولوژی اطلاعات محوری است و بر این اساس می‌توان امنیت اقتصادی را «فرایند پویا و پایدار برخورداری از نقش و دسترسی (تولید + بهره‌برداری) لازم، مؤثر و فزاینده در مدیریت و جریان ملی و بین‌المللی اطلاعات اقتصادی (و حوزه‌های مرتبط) و تکنولوژی اطلاعات (نرم‌افزار - مغزافزار) دانست. بنابراین هر یک از شاخص‌های ارائه شده در رویکردهای امنیت اقتصادی را می‌توان شاخص‌های امنیت اقتصادی در نظر گرفت که در مقالات بعدی، کاملاً بدان پرداخته خواهد شد.



## فهرست منابع و مآخذ

۱. مهریار، امیر هوشنگ، "توسعه آفریننده و مخرب ارزش‌ها"، *فصلنامه پژوهش و توسعه*، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سال ۱۳۷۵.
۲. خوش‌فر، غلام‌رضا، "توسعه و امنیت"، *کار و کارگر*، ۷۹/۷/۳۰.
۳. حجاریان، سعید، "بحران‌های ساختاری توسعه"، *فرهنگ و توسعه*، سال اول، اسفند ۱۳۷۱.
۴. ماندل، رابرت، *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده و مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۷.
۵. "مفهوم امنیت"، *همشهری*، ۱۳۷۷/۲/۹.
۶. پومفرت، ریچار، *راه‌های توسعه اقتصادی*، ترجمه احمد مجتهد، تهران، دانشکده علامه طباطبایی، ۱۳۶۷.
۷. نایت، مالکوم، "کشورهای در حال توسعه و در حال گذار با جهانی شدن مالی روبه‌رو شده‌اند"، *تازه‌های اقتصاد*، شماره ۳، سال ۱۳۷۸.
۸. متوسلی، محمود، *توسعه اقتصادی*، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۹. میرمحمدی، سیدمحمد، *مقدمه‌یی بر امنیت اقتصادی*، مؤسسه تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲، تهران.

## پی‌نوشت‌ها

۱. ادوارد، ای. آزر و چونگ این مون، **امنیت ملی در جهان سوم**، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۱.
  ۲. رنجبر، مقصود، **ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
  ۳. ماندل، رابرت، **چهره متغیر امنیت ملی**، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، صص ۴۴-۴۷.
  ۴. همان.
  ۵. همان.
  ۶. پیشین، صص ۶۰-۵۹.
  ۷. ماندل، رابرت، **چهره متغیر امنیت ملی**، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.
  ۸. میرمحمدی، سیدمحمد، **مبانی امنیت اقتصادی**، مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۸.
  ۹. ماندل، رابرت، **چهره متغیر امنیت ملی**، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.
  ۱۰. میرمحمدی، سیدمحمد، **مبانی امنیت اقتصادی**، مرکز بررسی‌های نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۸.
  ۱۱. همان.
  ۱۲. همان.
  ۱۳. همان.
  ۱۴. همان.
  ۱۵. همان.
  ۱۶. میرمحمدی، سیدمحمد، **امنیت اقتصادی**، مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۷۸.
  ۱۷. همان.
  ۱۸. همان.
- <sup>19</sup>. Economist Intelligence Unit Country Risk Service, Various Report 2003 (www.EIU.com)-EIU, Methodology.
- <sup>20</sup>. نشریه ماهانه اقتصاد سیاسی، پیش شماره اول، مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، آبان ۱۳۷۸.
- <sup>21</sup>. Fitch Rating, Sovereign Report, I.R.Iran, 2002 .



۲۲. نشریه ماهانه اقتصاد سیاسی، پیش شماره اول، مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، آبان ۱۳۷۸.

<sup>23</sup>. Alfonso, AS, Lupi, R. "Understanding the Determinant of Government Debt Ratings: Evidence for two Leading Agencies, 2002.

<sup>24</sup>. Nadeem u.Haque. Manmohan S.Kumar, Nelson Mark and Donald J.Mathieson, "the Economic Content of Indicators of Developing Country Credit worthiness, IMF.SP.1996.

۲۵. میرمحمدی، سیدمحمد، **مبانی امنیت اقتصادی**، مرکز بررسی‌های نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۸.

